

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۲ مارچ ۲۰۲۱

ایران در سال ۱۳۹۹! «سال نو و نوروز و بهارتان مبارک!»

مقدمه

با وجود همه بحران‌ها و ناملایمات سال نو و بهار را به همه انسان‌های آزاده به ویژه مادران داغ‌دیده و رنج‌کشیده تبریک می‌گویم. سال نو و بهاران بر همه رفقا و دوستان مبارک باد. به امید آینده‌ای بهتر و روزگاری خوش‌تر. امیدوارم باشیم که سالی بهتر از سال گذشته در پیش داشته باشیم!



سالی که گذشت مجموعاً سال جهنمی به ویژه برای اکثریت مردم ایران بود. آن‌ها علاوه بر شیوع ویروس کرونا که جان بسیاری از عزیزان خانواده‌ها را گرفت با این وجود بیش‌تر مردم ایران در طول سال گذشته، شاید حتی یک روز احساس امنیت مالی و شغلی و جانی نکردند. در این سال بی‌کاری و گرانی و تورم و فقر به اوج خود رسید و بسیاری از خانواده‌ها را زمین‌گیر کرد.

در سال ۱۳۹۹ عملاً همه نهادهای دولتی به غیر از قوه قضائیه و پولیس و پاسدار و نهادهای امنیتی رنگارنگ تعطیل بودند. سران و مقامات حکومتی و در راس همه خامنه‌ای، آن‌چنان که مواظب مسایل بهداشتی خود و اطرافیان‌شان بودند

هرگز به وضعیت بهداشتی عمومی مردم توجهی نکردند. در این سال ماشین کشتار جمهوری اسلامی با سرعت بیشتری جان بسیاری از انسان‌های بی‌گناه را گرفت.

در سال گذشته با وجود شیوع کرونا و غیربهداشتی بودن محیط زندان‌ها نه تنها زندانیان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را آزاد نکردند، بلکه بر تعداد زندانیان افزودند. در این سال، بیش‌تر فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد تهدید قرار گرفتند و به زندان‌های داز مدت محکوم شدند.

نادر توکلی، معاون درمان ستاد کرونا در استان تهران، از افزایش ۱۸ درصدی بستری شدن مبتلایان به کرونا خبر داد و گفت تعداد بیماران بدحال نیز افزایش یافته است. او افزایش بستری شدن بیماران را با افزایش تردها و کاهش رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در هفته گذشته مرتبط دانست. توکلی همچنین درباره افزایش شیوع کرونا در هفته سوم فروردین ۱۴۰۰ و هم‌زمان با بازگشت مسافران نوروزی به تهران هشدار داد.

سال ۱۳۹۹ در حالی به پایان رسید که شماری از دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و فعالان حقوق بشری از مقام‌های جمهوری اسلامی به دلیل ادامه نقض حقوق بشر انتقاد کردند. همچنین در این سال دو قطع‌نامه علیه حکومت جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

بالا رفتن شمار اعدام‌ها در ایران، آمار بالای ازدواج کودکان، افزایش خشونت خانگی و نقض حقوق شهروندی از جمله موضوعات مورد تأکید جاوید رحمان در گزارش جدید است. بر پایه اعلام سازمان گزارش‌گران بدون مرز، ایران در رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها تا پایان سال ۲۰۲۰/۱۱ دی ماه ۱۳۹۹ در جایگاه ۱۷۳ قرار داشته است.

سال گذشته بسیاری از مردم ایران به دلیل کشتارهای آبان‌ماه ۹۸ عزادار بودند و خانواده‌های بی‌شماری نگران عزیزانشان بودند که در اعتراض‌های یک هفته‌ای آبان‌ماه دستگیر و زندانی شده بودند. تاکنون هیچ گزارش رسمی در باره آن یک هفته‌ای که در آبان ماه ۹۸ اینترنت را در ایران به کلی قطع و اعتراضات مردم را سرکوب کردند منتشر نشده است. حتی فیلم‌های چندانی که صحنه‌های سرکوب را نشان بدهد توسط مردم گرفته نشده است. چرا که شاید مجال و فرصتی برای گرفتن عکس و فیلم پیدا نکردند. رگبار بوده و فرار از خیابان‌ها. یک هفته پس از سرکوب که اینترنت کم‌کم باز شد، دیگر نه خونی در خیابان‌ها بود و نه جای گلوله‌ای بر در و دیوارها. حکومت با وجود همه فشارهایی که بر آن از خارج و داخل وارد شد تا بلکه آمار کشته‌شدگان را اعلام کند، زیر بار انتشار این آمار نرفت. اراقمی به صورت حدس و گمان مطرح کردند و وعده انتشار گزارش را هم دادند اما منتظر زمان ماندند تا فراموشی بر هوشیاری غلبه کند و این واقعه نیز مانند وقایع بسیاری به دست فراموشی سپرده شود. در خارج اما، آمارهایی منتشر شد که تا ۱۵۰۰ کشته و حتی بیش‌تر را شامل می‌شد.

بدین ترتیب معلوم نیست در آن یک هفته در تهران و شهرستان‌ها چه گذشت. اخیراً برخی فرماندهان ارتش درباره آن روزها اظهار نظر کرده و گفته‌اند که ما هم در کنار سپاه و نیروی انتظامی در صحنه سرکوب بودیم که این اعتراف حکایت از وسعت جنایت و سرکوب دارد. از جمله اظهارات اخیر کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش. وسعتی که پاسخ به وسعت شورش‌های خیابانی بوده است. به گفته سرتیپ اشتیری فرمانده نیروی انتظامی در گزارش به عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش «اغتشاشات اخیر متفاوت از گذشته بود.»

رحمانی فضلی وزیر کشور نیز درباره نقش ارتش در آن سرکوب گفته است: «نقش ارتش تدارکاتی و حفاظتی بود. در آن روزها ارتش از ساختمان‌های حساس حفاظت کرد تا نیروی انتظامی آزاد باشد.»

البته نه فرماندهان ارتش و نه فرمانده نیروی انتظامی و نه وزیر کشور نگفته‌اند آن ساختمان‌های حساس چه ساختمان‌هایی بودند؟

حتی از لابلای همین اظهارات نیز می‌توان وسعت شورش مردم را در آن هفته‌ای که اینترنت در ایران قطع بود حدس زد.

یک جنایت بزرگ و هولناک دیگر جمهوری اسلامی شلیک راکت به هواپیمای مسافربری اوکراینی بود. دمیترو کولبا، امور خارجه اوکراین گفت گزارش ایران «تلاش بدبینانه‌ای» برای پنهان کردن دلایل واقعی انهدام هواپیمای اوکراین است.

سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران پس از بیش از یک سال از شلیک سپاه پاسداران به هواپیمای مسافربری اوکراین، گزارش نهایی خود را درباره آن را روز چهارشنبه، ۲۷ اسفندماه ۱۳۹۹، منتشر کرده که مسئولیت شلیک را به اپراتور واحد پدافندی نسبت داده است.

اعتراض‌ها بعد از واقعه دوشنبه چهارم اسفند ۹۹ به سراسر استان سیستان و بلوچستان کشیده و اینترنت نیز به صورت گسترده در این مناطق قطع شد. دوشنبه نیروهای سپاه پاسداران در منطقه مرزی سراوان و در نقطه مرزی ایران با پاکستان به سمت گروهی از سوخت‌بران تیراندازی کردند که به کشته و زخمی شدن شماری از آن‌ها انجامید.

در آخرین روزهای سال گذشته شورای عالی دستمزد، رای داد که دستمزد کارگران رسمی در سال ۱۴۰۰ کمتر از سه میلیون تومان باشد در حالی که حداقل دستمزد زندگی دستکم سیزده میلیون کارگر و خانواده آن‌ها را متاثر می‌کند. کارگرانی که نماینده‌گان واقعی در شورای عالی کار ندارند و اعتراض‌هایشان به انواع مختلف سرکوب می‌شود.

در آستانه سال جدید، در ساعت ده و نیم صبح روز ۲۸ اسفند، بازنشستگان تامین اجتماعی که زیر فشار سنگین اقتصادی قرار دارند و با وجود اعتراضات بسیار به خواست‌هایشان پاسخی داده نشده در چند شهر تهران، اراک، اردبیل، کرمان و خرم‌آباد تجمع کردند. حکومت غارتگر اسلامی حتی از حقوق ناچیز بازنشستگان و ذخیره صندوق‌های بازنشستگی هم دست نمی‌کشد و با بالا کشیدن حقوق و معیشت آن‌ها، فشار کمر شکنی را بر این بخش از جامعه وارد کرده است. اعتراض بازنشستگان به زندگی زیر خط فقر، به تبعیضات و نابرابری‌ها، و به دزدی‌ها و اختلاس و اختناق است. بازنشستگان از آذر ماه تا کنون ۱۵ تجمع بزرگ و سراسری در بیش از ۲۴ شهر برپا کرده و بر خواست‌هایشان تاکید ورزیده‌اند.

با این مقدمه به بحث درباره مهم‌ترین مسایل ایران در سال ۱۳۹۹ ادامه می‌دهیم.

توطئه‌های «لشکر اجنه» علیه جمهوری اسلامی

سال ۱۳۹۹ در حالی آغاز شد که علی خامنه‌ای از دشمن جدیدی به نام «اجنه» نام برد. علی خامنه‌ای در سخنرانی مفصل ابتدای سال که در روز ۳ فروردین و به صورت غیرحضوری انجام شد از دشمن بزرگ جمهوری اسلامی پرده برداشت: «لشکر اجنه».

او در جدیدترین توصیفش از صف‌آرایی دشمنان جمهوری اسلامی گفت که لشکر اجنه و دستگاه‌های اطلاعاتی دیگر کشورها متحد شده‌اند تا نظام را به زانو درآورند: «نباید هم تعجب کنیم از دشمنی‌ها؛ خب ما دشمن زیاد داریم. عرض کردم در قرآن خدای متعال می‌فرماید که «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛ هم دشمنان جنی، هم دشمنان انسی وجود دارند و این‌ها به هم کمک هم می‌کنند؛ سیستم‌های اطلاعاتی خیلی از کشورها علیه ما با همدیگر همکاری می‌کنند».

خبرگزاری‌های رسمی جمهوری اسلامی در نشر سخنان رهبرشان، بخش‌های مربوط به اشاره علی خامنه‌ای به نیروهای فرازمینی و اجنه را منتشر نکردند. موضوعی عجیب که واکنش‌های زیادی به دنبال داشت.

پس از اعلام این سخنان از سوی خامنه‌ای، اعلام شد که وزارت اطلاعات ایران یک معاونت ویژه برای مقابله با اجنه ایجاد کرده است. این خبر از قول محمود علوی، وزیر اطلاعات ایران اعلام شد ولی او روز بعد مصاحبه دیگری انجام داد و وجود معاونت اجنه را تکذیب کرد.

تکذیب وجود معاونت اجنه البته به این معنا نیست که دستگاه‌های رسانه‌ای، امنیتی و نظامی ایران جن‌ها را کنار گذاشته‌اند.

چند روز پس از سانسور سخنان علی خامنه‌ای، مجله اینترنتی نگار، که وبسایت رهبر جمهوری اسلامی، آن را تولید و منتشر می‌کند بار دیگر به موضوع نیروهای ماورائی و نقش آنها در دشمنی با جمهوری اسلامی پرداخت.

در بخشی از این برنامه یکی از مهمانان به نام احمد عابدی، که استاد حوزه و دانشگاه معرفی شد، به پرسش‌های صریح مجری برنامه درباره تعبیر واژه لشکر شیاطین جن و انس که در سخنان نوروزی علی خامنه‌ای آمده بود و واکنش‌های زیاد این حرف‌ها در شبکه‌های اجتماعی و اینکه امکان استفاده سرویس‌های جاسوسی همچون موساد و سیا از نیروهای ماورائی وجود دارد یا نه، پاسخ داد.

عابدی با اشاره به این‌که «هیچ شکی نیست که یهودی‌ها و خصوصاً صهیونیست‌ها سابقه زیادی در امور ماورائی و مسائلی از قبیل رابطه با شیطان و جن دارند» ادعا کرد که «سیستم‌های جاسوسی اسرائیل هم بی‌شک از این مسائل بهره می‌گیرند».

این «کارشناس» مذهبی در بخش دیگری از حرف‌های خود تاکید کرد که هرچند این نیروهای جاسوسی-ماورائی در صدد دشمنی با مردم ایران هستند، اما ملت ایران باید با «توکل بر خدا» با این دشمنی مبارزه کند.

هرچند که علی خامنه‌ای به عنوان رهبر سیاسی جمهوری اسلامی شناخته می‌شود ولی در بعد اعتقادی و فقهی از جمله روحانیونی است که به طلسم و دعا عمیقاً معتقد است. او بارها بر نقش حیاتی دعا و ذکر در ابطال سحر بدخواهان تاکید کرده است و دست‌کم در ۱۳ سخنرانی بدخواهان جمهوری اسلامی را ترکیبی از «جن و انس» دانسته است.

او در این زمینه قرابت فکری بسیاری با گروهی از چهره‌های مذهبی و مراجع تقلید شیعه دارد که به وجود اجنه به دلیل تصریح قرآنی آن و حتی روایات بحارالانوار در مورد پیشنهاد کمک زعفر جانی به پیامبر و امامان شیعه اعتقاد دارند. با این وجود این سطح گسترده از پذیرش نقش اجنه در امورات دنیائی در بین چهره‌های سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی، وقتی کار به دعوای سیاسی و افشاگری می‌رسد، حمله‌کنندگان ارتباط با جن‌گیرها و رمال‌ها را به عنوان نقطه ضعف طرف مقابل مطرح می‌کنند.

خامنه‌ای در سخنرانی نوروزی خود علاوه بر رونمایی از دشمنان جانی جمهوری اسلامی، امریکا را متهم کرد که ویروس کرونا را ایجاد و به «بیوتروریسم» دست زده است. او همچنین گفت که به کمک‌های بشردوستانه امریکا و دیگر کشورهای غربی بدبین است چرا که ممکن است آن‌ها درصدد «تثبیت ویروس کرونا» در ایران باشند. خامنه‌ای این احتمال را هم مطرح کرد که حضور کادر درمانی کشورهای دیگر برای کمک به ایران، راهی برای سنجش میزان اثر این ویروس باشد.

دو روز پس از این سخنان علی خامنه‌ای، وزارت بهداشت هیئت اعزامی پزشکان بدون مرز را که از فرانسه به ایران آمده بودند از کشور اخراج کرد و گفت که کمک آن‌ها نیازی ندارد.

موضوع «جن» بار دیگر به صف نخست سیاست در ایران وارد شده است. روز دوشنبه، ۶ بهمن ۱۳۹۹ برابر با ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱ احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با انتشار یادداشتی در مورد ارتباط چهره‌های سیاسی و

مذهبی مفاسد اقتصادی گفت: «متأسفانه جن‌گیرها و کهانت‌ورزان فاسد در سال‌های اخیر در اتخاذ تصمیمات مرموزانه و ناکارآمدساز و جورافزای برخی از مسؤولان و سرشناسان نقش داشته‌اند.»

اما مشخص نیست که سخنان احمد توکلی در مورد نفوذ جن‌گیرها در بیوت مراجع و چهره‌های سیاسی و مذهبی برپایه خبری متقن است و یا تحلیل. اما هر آن‌چه باشد جمهوری اسلامی از عالی‌ترین مقام آن تا برسانندگان و حافظان پایه‌های ایدئولوژیکش در قم، لشکر اجنه را مرغ عزا و عروسی می‌دانند و جن‌گیرها و رمال‌ها همزمان رفقای خلوت و اندرونی و اگر لازم باشد متهمان ناکامی، شکست و فساد نظام و مسؤولانش هستند.

خبرها یا هشدار درباره رابطه مسؤولان جمهوری اسلامی با جن‌گیرها موضوع تازه‌ای نیست. در سال ۱۳۸۸ و پس از آن‌که اسفندیار رحیم مشائی به عنوان معاون اول در دولت دوم احمدی‌نژاد منصوب شد و علی خامنه‌ای با آن مخالفت کرد، طیفی از چهره‌های نزدیک به سپاه پاسداران او را به عنوان واسطه‌ای معرفی کردند که جن‌گیرها، رمال‌ها و مرتاض‌ها را به احمدی‌نژاد وصل کرده است.

وب‌سایت جهان‌نیوز وابسته به علیرضا زاکانی در یک نوبت با انتشار خبری مدعی شد که مشائی سفرهای منظمی به هند دارد و در آن‌جا با مرتاضی ۴۰۰ ساله دیدار می‌کند و پیش‌گویی‌های او را در مورد مسائل جهانی به گوش رئیس‌جمهور می‌رساند.

مرتضی نبوی، مدیرمسئول روزنامه رسالت پا را از این هم فراتر گذاشت و گفت یاران احمدی‌نژاد برای دست یافتن به مقاصد شومشان از «اجنه» و «شیاطین» استفاده می‌کنند: «به نظر می‌رسد این جریان انحرافی با توسل به یک سری مسائل شیطانی که دور از واقعیت هم نیست و طبق آیات قرآنی جزو اعتقادات مسلمانان هم هست، سعی می‌کنند، افراد را تحت تأثیر قرار دهند.»

حتی گفته شد که محمود احمدی‌نژاد و یاران سیاسی‌اش با توسل به این افراد به «توانمندی‌های ماورائی» رسیده‌اند. در سه سال منتهی به پایان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد برخی افراد مشهور به رمالی و جن‌گیری همچون عباس غفاری هم دستگیر شدند تا آن را به عنوان سندی برای تصدیق ادعاها در باره نفوذ جن‌گیرها در دولت مطرح کنند ولی نهایتاً مشخص شد ارتباط این جن‌گیرها با اعضای بیت علی خامنه‌ای و نیروهای قضائی و اطلاعاتی مانند غلامحسین محسنی اژه‌ای و علی فلاحیان گسترده‌تر از یاران احمدی‌نژاد است.

غسال مصباح یزدی: «موقع غسل، میت چشمانش را گشوده و نگاهی مهربانانه به غسال انداخته است»

توکلی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی با اشاره به صحبت‌های کاظم صدیقی، امام‌جمعه تهران که گفته بود «موقع غسل، میت چشمانش را گشوده و نگاهی مهربانانه به غسال انداخته است» اظهار داشت، غسال آیت‌الله مصباح یزدی، یک ابر بدهکار بانکی است که جنازه روحانیون سرشناس را به خانه خود می‌برد و غسل می‌دهد. او تأکید کرد که غسال آیت‌الله مصباح، همان غسال مرحوم آیت‌الله حق‌شناس است.

اگرچه کاظم صدیقی پس از این اظهارات ناچار شد تا عذرخواهی کند. از آن زمان بسیاری از نزدیکان حکومت مسؤولیت چنین روایتی را بر عهده غسال دانستند و نقل‌قول این‌چنین «واعظ ویژه رهبر جمهوری اسلامی» را، مورد نقد قرار ندادند.

در واکنش به این روایت، علی مصباح یزدی فرزند محمدتقی مصباح یزدی گفت که اظهارات احمدتوکلی اشتباه و این اطلاعات غلط است. فردی که مدنظر ایشان و دیگران است غسال حاج آقا نبودند.

طی ماه‌های گذشته، وبسایت نشر آثار علی خامنه‌ای وابسته به دفترش، مجموعه عکس‌هایی از مراسم‌های عزاداری در «حسینیه امام خمینی» منتشر کرد که در آن علی خامنه‌ای به‌تنهایی در این سالن بزرگ نشسته و کاظم صدیقی با فاصله بسیار زیاد برای او روضه خوانده است.

«کسری» بودجه سال ۱۴۰۰

داستان بودجه دولتی در جمهوری اسلامی همواره سؤال‌برانگیز بوده است؛ درآمدها تخیلی و هزینه‌ها اجباری و بودجه‌ای که گرفتار کسری است.

دولت برای جبران آن به استقراض روی می‌آورد و بیشینه آن را باز پس نمی‌دهد، یا پول چاپ می‌کند و به تورم و فروپاشی تولید و گسترش بیکاری دامن می‌زند. از همین روست که بودجه دولتی جمهوری اسلامی همواره کسری و رانتی و تورمی است.

حساب و کتاب بودجه ۱۴۰۰ هم نشان می‌دهد که هزینه بسیار بیشتر از درآمد است و ناچار نتیجه‌ای جز کسری نخواهد داشت. داده‌ها خود نشان می‌دهند که دست‌یابی به دو کلان‌درآمد مالیات و نفت، آن‌چنان‌که در بودجه آمده، شدنی نیست.

در بودجه ۱۴۰۰ درآمد مالیاتی گرد ۲۵۲ هزار میلیارد تومان و هم‌چون سال پیش بیش از درآمد نفتی است. ریز درآمد مالیاتی چنین است: مالیات ۲۵ درصدی بر اشخاص حقوقی یا شرکت‌ها برابر با ۵۸ هزار میلیارد تومان؛ مالیات بر درآمد دستمزدبگیران با بخشودگی درآمدهای کمتر از ۴ میلیون در ماه و سقف مالیات ۲۵ درصدی برای درآمدهای کلان برابر با ۴۸ هزار میلیارد تومان؛ مالیات بر ثروت ۲۳ هزار میلیارد تومان؛ مالیات بر واردات ۲۲ هزار میلیارد تومان؛ و مالیات بر کالاها و خدمات ۹۴ هزار میلیارد تومان. اما چگونه می‌توان بر مالیات بر سود تولیدگر و دستمزد کارگر حساب کرد؟ آن هم در شرایطی که تولیدگر ورشکسته و دستمزدبگیر یا بیکار شده یا حقوقش از تورم فزاینده پس مانده است؟

در چنین شرایطی، چگونه دولت در پی آن است که در سال ۱۴۰۰، ۵۲ هزار میلیارد تومان بیش از ۱۳۹۹ و ۷۳ میلیارد تومان بیش از ۱۳۹۸ مالیات بگیرد؟ این از دورنمای تاریک درآمد مالیاتی. دیگر دیگر کلان درآمد دولت چه خواهد بود؟

در بودجه ۱۴۰۰ درآمد دولت از فروش نفت که از آن با عنوان «منابع عمومی دولت از محل واگذاری دارائی‌های سرمایه‌ای» یاد می‌شود، بیش از دو برابر (۲۵۲ در برابر ۱۰۷ هزار میلیارد تومان) و صادرات نفت حدود سه برابر بودجه ۱۳۹۹ برآورد شده است. شدنی است؟ برای پاسخ می‌بایست میزان صادرات و بهای نفت و نیز نرخ برابری دالر به ریال را سنجید.

فروش نفت در بودجه ۱۴۰۰ دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز در بازار برون و نیز درون مرز برآورده شده است. آمار دقیقی برای صادرات در سال ۱۳۹۹ که در بودجه همان سال روزی ۱/۱ میلیون بشکه پیش‌بینی شده بود، در دسترس نیست. چه، به دلیل تحریم، بخش بزرگی از صادرات نفت جمهوری اسلامی پنهانی بود. اما تخمین‌های گوناگون میزان آن را بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز برآورد کرده‌اند. یعنی در خوشبینانه‌ترین برآورد، گرد یک چهارم تا یک سوم هدف بودجه ۱۳۹۹. آیا در ۱۴۰۰ ورق برخواهد گشت؟

گمان نمی‌رود که جمهوری اسلامی به‌آسانی هر روز ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت بفروشد و صادر کند. نخست به این دلیل که تحریم‌ها هنوز برداشته نشده‌اند و دوم این که به نظر می‌رسد جو بایدن، چهل و ششمین رئیس‌جمهور

امریکا، دست‌کم تا مدتی تحریم‌ها را نگه دارد تا از آن در گفت‌وگوها همچون اهرم فشاری برای گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی بهره برد. سوم این‌که حتی اگر تحریم‌ها برداشته شود و اقتصاد جهانی به راه افتد و تقاضا برای نفت بالا رود، روشن نیست که جمهوری اسلامی بتواند بازارهای از دست داده را، به‌ویژه با برآمدن نفت لیبی و عراق، باز پس بگیرد.

فروش و صدور ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز که شدنی نیست. اما فروش هر بشکه نفت به بهای ۴۰ دلار چطور شدنی است؟ به شرط آن که همچون در سال ۱۳۹۹ بهای نفت در پی کرونای واگیردار و رکود بار دیگر کاهش نیابد.

حالا جمهوری اسلامی به هر میزان و بهائی هم که نفت بفروشد، درآمزش به ارز فرنگی است و برای بودجه می‌بایست آن را به ریال و اگر دادند. آیا نرخ برابری هر دلار ۱۱۵۰۰ تومان در بودجه ۱۴۰۰ منطقی است؟ نه نیست! بدین دلیل که گویا این نرخ میانگین است و دولت همچنان نرخ دلار ۴۲۰۰ تومانی را برای برخی از کالاها نگه می‌دارد و برای برخی دیگر دلار را گرد ۱۸ هزار تومان تسعیر می‌کند. در بازار آزاد هم که دلار گرد ۲۵ هزار تومان است. از همین رو نه تنها دلار ۱۱۵۰۰ تومانی در بودجه ۱۴۰۰ منطقی نیست بلکه برانگیزنده رانت برای بسیاری از نهادها و مقامات حاکمیت هم هست.

بر این درآمدها می‌بایست هدف درآمد ناشی از فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول را هم افزود که آن‌ها دست‌نیافتنی است؛ چنان‌که در بودجه ۱۳۹۹ دولت انتظار درآمد ۵۰ هزار میلیارد تومانی از این منبع داشت، اما به‌گفته سازمان برنامه و بودجه تنها ۷ هزار میلیارد تومان آن به دست آمد.

در حساب‌های بودجه جمهوری اسلامی و به‌ویژه در بودجه ۱۴۰۰ هزینه بر درآمد سر است و ناچار به کسری خواهد انجامید. به گمانی، کسری لایحه بودجه ۱۴۰۰ گرد ۱۹۸ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. حتی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز هشدار داد که بودجه ۱۴۰۰ به کسری شدیدی خواهد انجامید.

رئیس اتاق بازرگانی تهران: طی ۸ سال ۹۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شد

رئیس اتاق بازرگانی تهران به وضعیت تراز حساب سرمایه اشاره کرد گفت: طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، حدود ۹۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارجی شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از اتاق بازرگانی تهران، مسعود خوانساری در نشست هیات نمایندگان که با حضور محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار شد، به شاخص تورم اشاره کرد که در طول بیش از چهار دهه گذشته، به جز چهار سال، همواره دو رقمی بوده و از این حیث ایران به همراه هشت کشور دیگر، در میان ۹ کشور با تورم دو رقمی جهان ایستاده است.

نایب‌رئیس اتاق ایران رشد فزاینده نقدینگی در کشور طی ۱۰ سال اخیر را مورد گوشزد قرار داد و گفت: در حالی نقدینگی در سال ۱۳۹۰ رقمی معادل با ۳۵۴ هزار میلیارد تومان بود که این میزان در ۹ ماهه امسال به ۳/۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده و مانند بهمن خانمان‌براندازی، اقتصاد کشور را تهدید می‌کند.

خوانساری در ادامه، وضعیت درآمد ملی سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ را نیز بحرانی عنوان کرد به طوری که این شاخص به طور میانگین رشد سالانه منفی ۵ درصد را تجربه کرده است.

به گفته او، بر اساس آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس، در حالی درآمد ملی سرانه طی سال ۱۳۸۳ رقمی معادل ۵ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان بود که این میزان امروز به ۴ میلیون و ۷۴۰ هزار تومان رسیده و به این ترتیب، طی دهه اخیر، ۳۵ درصد مردم کشور یا نزدیک به چهار دهک از جامعه به زیر خط فقر هدایت شده‌اند.

رئیس اتاق تهران در ادامه، روند تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ را یادآوری کرد که تا سال ۱۳۹۰ این روند صعودی بود و طی دهه ۹۰، در دو مرحله روند بلندمدت تولید به سطوح پائین‌تر تنزل کرده در حالی که اگر روند رشد بلندمدت سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ ادامه می‌یافت، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۹ باید به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان و در صورت ادامه مسیر رشد سال‌های ۸۳ تا ۹۶، باید حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان می‌بود.

خوانساری گفت: اقتصاد ایران طی دو سال اخیر حدود ۱۲ درصد کوچک شده است.

بیان آماری از وضعیت رشد اقتصادی کشور، موضوع دیگری بود که رئیس اتاق تهران به آن اشاره کرد. به گفته خوانساری، در حالی طی سال ۱۳۹۱ اقتصاد کشور شاهد رشد منفی ۷.۷ درصد بود که طی سال‌های ۹۷ و ۹۸ نیز رشد منفی اقتصادی کماکان تداوم پیدا کرد و به ترتیب به منفی ۵.۴ و منفی ۶.۵ درصد رسید.

خوانساری در ادامه به روند صادرات نفتی و غیرنفتی کشور اشاره کرد که طی سال‌های ۹۷ تا ۹۹ و بنا بر آمارهای بانک مرکزی و محاسبات کارشناسی، رشد منفی را تجربه کرده‌است. به گفته او، اثر منفی صادرات کالاها و خدمات در رشد اقتصادی طی تابستان ۹۷ تا تابستان ۹۹ قابل توجه است.

نایب‌رئیس اتاق ایران سپس به کسری بودجه دولت طی دستکم شش سال اخیر اشاره کرد و افزود: بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی ۹ ماهه امسال، ۸۳ درصد واگذاری اوراق دارایی‌ها معادل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان صرف هزینه‌های دولت شده و مابقی آن به بنگاه‌ها رسیده‌است و این در حالی است که این اتفاق، به بار بدهی دولت طی سال آینده اضافه خواهد کرد.

او سپس به سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی اشاره کرد که از سال ۱۳۸۳ در مسیر نزولی قرار گرفته به طوری که طی این سال تا ۱۳۹۸، افت ۹ واحد درصدی سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی در کشور اتفاق افتاده است.

خوانساری همچنین روند نزولی سرمایه‌گذاری واقعی در کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ را مورد گوشزد قرار داد که به گفته وی، طی سال ۱۳۹۸ برابر ۹۸ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در کشور به ثبت رسیده که طی ۱۵ سال اخیر، کمترین رقم بوده‌است. او همچنین به میانگین رشد منفی ۶ درصدی سالانه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ اشاره کرد.

روند رشد موجودی سرمایه، از دیگر شاخص‌هایی بود که رئیس اتاق تهران در ادامه به آن اشاره کرد و به گفته او، طی سال ۱۳۹۸، استهلاک از انباشت سرمایه‌گذاری سبقت گرفت و برای اولین بار در اقتصاد کشور، رشد موجودی سرمایه، منفی شد.

به گفته خوانساری، کشور در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز توفیقی نداشته و بر اساس آمارها، طی سال ۲۰۱۹ میلادی، پائین‌ترین میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران رقم خورد.

او سپس به وضعیت تراز حساب سرمایه اشاره کرد و یادآور شد که طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، حدود ۹۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارجی شده است.

رئیس اتاق بازرگانی تهران پس از بیان این آمارها، در توصیف وضعیت فعلی اقتصاد کشور به این نکته اشاره کرد که اقتصاد ایران کوچک شده، فقر افزایش یافته، به تضعیف سطح استانداردهای زندگی دامن زده شده، سرمایه‌گذاری و

تجارت که محرک اصلی رشد اقتصادی در کشور است به پائین‌ترین میزان خود رسیده، خروج سرمایه از کشور افزایش یافته و تعامل با اقتصاد جهانی نیز به حداقل رسیده است.

خوانساری، نبود ثبات اقتصادی، دو نرخ بودن ارز، تورم و رکود اقتصادی، همچنین فقدان تصویری شفاف از وضعیت فعلی اقتصاد و آینده مبهم، عدم قطعیت و نااطمینانی در انجام امور اقتصادی، محیط نامساعد کسب‌وکار و نیز غیرواقعی بودن متغیرهای کلیدی از جمله نرخ ارز، نرخ بهره و بهای حامل‌های انرژی را جدی‌ترین چالش‌های فعلی در اقتصاد کشور عنوان کرد.

نایب رئیس اتاق ایران در ادامه به نحوه استفاده از ذخایر گازی کشور اشاره کرد و گفت: در سال ۲۰۱۹ در حدود ۸۶ میلیارد دلار به عنوان یارانه انرژی پرداخت شده است و با این شرایط ایران بیش‌ترین سطح یارانه را در دنیا برای انرژی می‌پردازد. اگر بر همین منوال حرکت کنیم وضعیت گاز کشور مانند سرانجام آبی خواهد شد.

فساد سیستماتیک دولتی در ایران

مسیر فساد در جمهوری اسلامی «جاده یک‌طرفه چپاول و تضمین فقر و فلاکت مردم» طی چهل و دو سال گذشته بوده است.

با پایان جنگ ایران و عراق و آغاز دوران بازسازی اقتصادی، فساد در تشکیلات دولتی طی چهار مرحله متحول شده است. مرحله نخست مربوط به شکل‌گیری فساد امنیتی و سیاسی در انتهای دهه شصت و ابتدای دهه هفتاد است. سپس شبکه‌سازی فساد در نهادهای حاکمیتی و سازمان یافتن دولت در سایه از نیمه دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد رخ داد. از نیمه دهه هشتاد تا اوایل دهه نود دولت در سایه ادارمکننده دولت رسمی بود و پس از آن فساد نظام‌مند با از دست دادن استیلای خود بر دولت رسمی با سوءاستفاده از تمرکز دولت بر سیاست خارجی با آن مصالحه کرد تا فساد ساختاری، همه‌جانبه و علنی تا جزئی‌ترین امور جاری کشور شکل بگیرد.

رهبر و روسای دولت‌های جمهوری اسلامی ایران هرکدام سهمی در شکل‌گیری این شبکه در هم‌تنیده دارند. فساد امنیتی و سیاسی در دولت سازندگی رفسنجانی گسترده‌تر شد و نتیجه آن ترورهای خارج کشور و قتل‌های زنجیره‌ای نویسندگان و روزنامه‌نگاران و سرکوب آزادی بیان بود.

یک سر این هیولای فساد در بیت رهبری و دولت و نظامیان و سر دیگر در ارگان‌ها و دستگاه‌های مذهبی است که به نام تقویت بنیه دینی و لزوم تبلیغات درون مرزی و برون‌مرزی تاسیس و اداره حوزه‌های علمیه وارد کسب‌وکار و اقتصادی شد.

همچنین شبکه‌ای بزرگ متشکل از ۳۰ سازمان، آستان، بنیاد، ستاد و موسسه زیر نظر رهبری در کنار سپاه، قوه قضائیه و صداوسیما قرار دارند که هیچ‌کس حق ورود و تحقیق و تفحص و بررسی ابعاد فساد اقتصادی را در فعالیت آن‌ها ندارد.

فساد در صندوق‌های بازنشستگی. رانت هفت هزار میلیاردی برای سه صرافی. فروش رانتی سه هزار متر زمین هتل هما به همسر پیمان‌کار ایران‌ایر. گم‌شدن سه فروند نفتکش. فساد ۴۰۰ میلیون دالری واردات قطعات هواپیما. بدهی ۳۵ میلیارد دالری شرکت نیکو در سوئیس به شرکت ملی نفت ایران. فساد ۳۲ میلیارد تومانی در صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم. مفقود شدن ۱۲۶ هزار تن چای در سازمان چای کشور. فساد ۱۳ هزار میلیارد تومانی فروش ۲۰ هزار هکتار از زمین‌های فرودگاه قشم و درگاهان. گم‌شدن اسناد و کتاب‌های خطی سازمان میراث فرهنگی. رانت دانشگاه

ایرانیان. واگذاری مجوز فروش نفت به نیروی انتظامی. فساد سازمان تأمین اجتماعی. فساد بنیاد شهید، گم‌شدن دکل نفتی. فساد بابک زنجانی. فساد موسسات اعتباری. فساد دانشجویان بورسیه خارج از کشور. فساد در صنعت فولاد و... دولت شیخ حسن روحانی با نماد کلید و با ادعای مبارزه با فساد کار خود را شروع کرد. اما دولت روحانی، از همان اوایل کارش به واسطه نادیده گرفتن فساد اقتصاد ایران را تشدید کرد، جامعه را در چند نوبت درگیر تلاطم و سرکوب‌های خونین کرد و تورم و گرانی و سرکوب را به بالاترین میزان طی چهل سال گذشته رساند. برخی فسادهای بزرگ دوره دولت روحانی شامل موارد زیر است:

فساد رانت ارز دولتی. فساد صندوق ذخیره فرهنگیان. فساد سازمان خصوصی‌سازی. فساد گسترده شبکه بانکی. فساد ایران مال. فساد پتروشیمی. فساد خودروسازان که منجر به بازداشت مدیران عامل ایران خودرو و سایپا شد. رانت واردات خودرو. فساد گمرک ایران. فساد در مناطق آزاد. فساد گسترده فرزندان مقامات دولتی. فساد وابستگان درجه یک رئیس‌جمهور و معاون اول وی. فساد حقوق‌های نجومی. فساد هلدینگ عظام. فساد باستی‌هیلز و کلارک. فساد سازمان هلال احمر. فساد وزارت جهاد کشاورزی. و...

در کشوری که متجاوز از ده میلیون پرونده قضائی مفتوح است یعنی نیمی از خانوارهای کشور یا شکایت دارند یا مورد شکایت‌اند و هر حکمی را هم می‌توان از دستگاه قضا بیرون کشید. در کشوری که بر اساس گزارش بانک مرکزی، در آذر ماه امسال -۱۳۹۹- بیش از ۸۹۳ هزار چک برگشتی ثبت شده که در مقایسه با ماه قبل (آبان ماه) سی درصد افزایش داشته و مبلغ چک‌های برگشتی در همان ماه به حدود ۲۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان بالغ شده است، قول و تعهد و قرار داد از اعتبار می‌افتد و دو چشم به همدیگر اعتماد نمی‌کنند. در چنین شرایطی سرمایه در همه صور آن اعم از مالی، فنی و انسانی از کشور فرار می‌کند.

بازنشستگان

اغلب بازنشستگان ایران خصوصاً کارگران بازنشسته مستمری‌هائی که می‌گیرند کافی نیست؛ خدمات درمانی مناسب به آن‌ها ارائه نمی‌شود. این سیاه روزی در دوران بازنشستگی، بی‌سبب به وجود نیامده است. حق حیات و برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمندانه با رفاه و امنیت و به دور از استرس و نگرانی فردا حق مسلم همه انسان‌هاست. خصوصاً انسان‌های مسن‌تری که عمری را کوشا بوده و در ساختن جامعه و رشد آن سهم به سزائی ایفا کرده‌اند، بیش از هر کس نیازمند بهر‌مند شدن از یک زندگی راحت و به دور از هرگونه دغدغه هستند.

در ایران میانگین سن امید به زندگی از ۷۲ سال به ۷۵ سال رسیده است. افزایش امید به زندگی در ژان ۵۰ سال پیش حدود ۷۲ سال بود اما اکنون این رقم به ۸۴ سال ارتقا یافته است.

وضعیت بازنشستگان جامعه ما که اکثر جزو سالمندان هستند، عمدتاً رضایت‌بخش نیست و به گفته «اکبر شوکت» عضو کارگری هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی، بازنشستگان و البته کارگران شاغل، روزی‌به‌روز و ماه به ماه فقیرتر می‌شوند و قدرت خرید خود را بیش‌تر از دست می‌دهند.

متوسط حقوق بازنشستگی دریافتی از صندوق بازنشستگی کشوری ۶۸ درصد متوسط هزینه‌های خانوار را پوشش می‌دهد و طبیعتاً به دلیل پائین‌تر بودن متوسط حقوق بازنشستگی در سازمان تأمین اجتماعی، درصد پوشش هزینه‌ها برای بازنشستگان این سازمان پائین‌تر است.

این آمار حاصل از پژوهش، در واقع تائید بر صحبت «حسن صادقی» رئیس جامعه کارگری وابسته به دولت در گفت‌وگو با خراسان است که گفته است: «حقوق‌های فعلی فقط ۳۷ درصد زندگی یک کارگر و بازنشسته حداقلی‌بگیر را پوشش می‌دهد و برای تامین نیازهایش ۶۳ درصد کسری دارد.»

جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی در ایران و در اعتراض به وضعیت معیشتی خود در استان‌های مختلف این کشور روز یکشنبه هفدهم اسفند ماه ۱۳۹۹ دست به تجمع زدند. همزمان گزارش شده است که تعدادی از این افراد مورد «ضرب و شتم» قرار گرفته و «بازداشت» شده‌اند.

حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۰

در دویست و نود و هفتمین نشست شورای عالی کار حداقل دستمزد ۳۹ درصد افزایش یافت. براساس مصوبات این جلسه، برای حداقل بگیران، پایه مزد و سایر مولفه‌های مزدی ۳۹ درصد افزایش یافت. به این ترتیب، دستمزد برای کارگری با ۱.۳ فرزند با احتساب بن ۶۰۰ هزار تومانی، سنوات ۱۴۰ هزار تومانی و حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی به ۴۱۹۰۷۰۷۷ ریال رسید.

ایلنا گزارش داده: براساس مصوبات این جلسه، برای حداقل بگیران، پایه مزد و سایر مولفه‌های مزدی ۳۹ درصد افزایش یافت. به این ترتیب، دستمزد برای کارگری با ۱.۳ فرزند با احتساب بن ۶۰۰ هزار تومانی، سنوات ۱۴۰ هزار تومانی و حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی به ۴۱۹۰۷۰۷۷ ریال رسید.

با این حساب پرونده مزد ۱۴۰۰ با این مصوبات بسته شد و همه گروه‌ها مصوبه مزدی را امضاء کردند. اما این پرونده برای کارگران و بازنشستگان همچنان باز است. چرا که به اقرار خود مقامات جمهوری اسلامی خط فقر در تهران ۱۲ میلیون تومان است. به همین دلیل می‌توان پیش‌بینی کرد که در سال ۱۴۰۰ اعتراض و اعتصاب مزدبگیران افزایش چشمگیری خواهد یافت.

سال‌هاست که قدرت خرید خانواده‌های کارگری نه تنها بالا نرفته بلکه همواره پائین آمده است. در آماری به نزول قدرت خرید در سه سال گذشته چنین آمده است:

حداقل دستمزد خالص ۹۳۰ هزار تومان در سال ۹۷ با دالر آزاد ۴۰
۴۰۰۰ هزار تومانی (۲۳۲ دالر)

حداقل دستمزد خالص ۱ میلیون ۱۱۴ هزار تومان در سال ۹۸ با دالر آزاد ۹۰۰۰ تومانی (۱۳۰ دالر)

حداقل دستمزد خالص ۱ میلیون ۵۱۷ هزار تومان در سال ۹۹ با دالر آزاد ۱۵ هزار تومانی (۱۰۱ دالر)

این تنها بخشی از دست درازی کارفرمایان دولتی و خصوصی به سفره خالی و زندگی کارگران است. دولت روحانی از ۲۰ فروردین ۹۹ اندوخته‌های کارگران در تامین اجتماعی (شستا) را در بورس به حراج گذاشته است. تا همین تامین درمان حداقلی و سرمایه روزهای بازنشستگی آن‌ها را نیز از بین می‌برند. در سال ۱۳۹۹ ۱۰۰۰ قلم دارو از فهرست درمان تامین اجتماعی خارج شده است. اکنون دولت رقمی در حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است!

بیکاری در سال ۱۳۹۹

عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور دولت اسلامی ایران گفت که در سال ۹۹ بیش از یک میلیون ایرانی شغل خودشان را از دست داده‌اند.

رحمانی فضلی شامگاه شنبه ۲۳ اسفند در برنامه نگاه یک شبکه تلویزیون ایران با تاکید بر این که «امنیت» دغدغه اول مقامات ایران در سال ۹۹ بوده، گفت: «ما نگران بودیم که امسال باید موضوع امنیت را به شدت مدیریت و رعایت می کردیم و مسأله بعد نیز موضوع بیماری کرونا بود.»

وزیر کشور همچنین با اشاره به پیامدهای اقتصادی کرونا بر شغل مردم، تاکید کرد: «همچنین آثار اقتصادی کرونا نیز گسترده بود و بیش از یک میلیون نفر شغل خود را از دست دادند.»

وزیر کشور ایران با بیان این که آثار اقتصادی کرونا در ایران «گسترده» بود، گفت: به دلیل شیوع کرونا و اعمال محدودیت ها در سطح کشور، میزان «تقاضا و خرید و فروش در بازار کاهش یافت.»

حدود یک ماه پیش، مدیرکل امور بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی، با اشاره به افزایش شمار بیکارشدگان بر اثر شیوع کوید در کشور، گفته بود: یک میلیون و ۲۵۲ هزار نفر بر اثر شیوع کرونا بیکار شده و مشمول بیمه بیکاری شدند اما از این جمعیت، یک میلیون و ۱۷۰ هزار نفر در حال دریافت بیمه بیکاری هستند.

اما آمارهای غیررسمی، بر اساس گزارش منابع اقتصادی در ایران، از بیکاری حدود ۶ میلیون نفر حکایت دارند.

پیش از این، خبرگزاری تسنیم، خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران، با اعلام آمار بیکاری حدود ۶ میلیون نفری در ایران بر اثر بحران بهداشتی شیوع کرونا، در گزارشی اعلام کرده بود که بخشی از این افراد بیمه نداشتند و در بخش خدمات به صورت غیررسمی در حال فعالیت بودند.

زنان

طی دوران ۴۲ ساله حکومت جمهوری اسلامی ایران، چند بار در ۸ مارس «روز جهانی زن»، زنان ایران به خیابان آمده و مورد حمله و ضرب و شتم سازمان یافته از سوی طرفداران حکومت اسلامی قرار گرفته و سرکوب شده اند.

بار نخست با فراخوان «سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران»، «اتحادیه زنان قاضی» و «جمعیت زنان مبارز» در اسفندماه سال ۵۷ تجمع زنان شکل گرفت و پس از سردادن شعارهای «آزادی جهانی است، نه شرقی نه غربی»، «در بهار آزادی، جای حق زن خالی»، «زن و مرد شهید شدند، هر دو باید آزاد باشند»، «استبداد به هر شکل محکوم است»، «برابری، برابری، نه چادر و نه روسری» برابر کاخ دادگستری، ورزشگاه تهران و در نهایت میدان توپخانه گردهم آمدند و با حمله نیروهای تندرو انقلابی سرکوب شدند. شدت عمل انقلابیون در این روز و روزهای بعد به حدی بود که پونز به پیشانی زنان بی حجاب زده و با سنگ به آن ها حمله کردند.

این تظاهرات گسترده در واکنش به سخنان روح الله خمینی، بنیان گذار انقلاب اسلامی در مدرسه فیضیه قم بود که بر لزوم رعایت حجاب اسلامی در ادارات تاکید کرده بود. خمینی گفته بود: «زن های اسلامی عروسک نیستند. زنان اسلامی باید با حجاب بیرون بیایند، نه اینکه خودشان را بزک کنند.» وی تصریح کرده بود: «زن ها هنوز در ادارات با وضع پیشین کار می کنند، زن ها باید وضع خودشان را عوض کنند. البته کار در ادارات ممنوع نیست، اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند.» روح الله خمینی با بیان اینکه «به من گزارش داده اند که در وزارتخانه ها زن های لخت هستند و این خلاف شرع است.»

در نهایت نخستین رهبر انقلاب ایران، دستور آغاز دوران جدیدی از محدودیت برای زنان را با این جمله صادر کرد: «زن ها می توانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند، ولی با حجاب اسلامی.»

سرکوب بعدی زنان در روز ۱۷ اسفندماه ۱۳۸۵ در خیابان بهارستان مقابل ساختمان مجلس انجام شد. زنان در این روز برابر مجلس تجمع کردند و این تجمع با ضرب و شتم آنها به پایان رسید.

یازده سال بعد ۱۷ اسفندماه سال ۱۳۹۶ مجدداً زنان طی فراخوانی، تجمعی آرام روبروی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ترتیب دادند که با خشونت شدید پولیس و امنیتی شدن موضوع خاتمه یافت. این برخورد در حالی با زنان ایرانی انجام شد که چند ماه قبل علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی عمومی نسبت به اعتراض «دختران خیابان انقلاب» (حرکت اعتراضی زنان در خیابان انقلاب علیه حجاب اجباری) واکنش نشان داده و این اقدام‌ها علیه حجاب اجباری را ناچیز و نتیجه ناآگاهی یا تحریک و پول گرفتن از دشمنان انقلاب دانسته بود.

با نگاهی به همین تاریخچه مختصر از برخورد با خواسته‌های زنان در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، می‌توان متوجه شد انقلاب از همان آغاز با وجود این‌که رهبران آن معترف بودند زنان و مردان انقلابی سهم مساوی در به ثمر رسیدن آن دارند، صف‌آرایی خشونت‌بار برابر آزادی زن و حقوق زنان داشته است.

فاجعه ملی در کمین کشور با سوءتغذیه کودکان ایرانی

مغز بیش از یک میلیون کودک ایرانی به دلیل سوءتغذیه رشد نمی‌کند. تا ۱۵ سال آینده، یک چهارم جمعیت جوان ایران عقب‌ماندگی‌های ذهنی خواهند داشت. حتی فکر کردن به این موضوع هم دلهره‌آور است چه رسد به این که بدانیم این یک خطر واقعی است.

۹۰ درصد رشد مغزی انسان‌ها، تا ۶ سالگی آن‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین اگر رشد مغزی کودکی در این سنین تکامل نیابد، او تا آخر عمر، با ذهنی تکامل نیافته زندگی خواهد کرد این عقب‌ماندگی ذهنی، نه فقط زندگی شخصی او که کل جامعه را متأثر خواهد کرد: از زندگی خانوادگی و زناشویی و تربیت فرزندان گرفته تا آسیب‌های اقتصادی و بزه‌های اجتماعی. علت این عقب‌ماندگی و رشد ناکامل مغزی نیز بسیار ساده است: «سوءتغذیه».

این است که بیش از یک میلیون کودک (این آمار دولتی است مطمئناً آمار واقعی بیش‌تر است) زیر ۶ سال ایرانی از سوءتغذیه رنج می‌برند که حدود یک چهارم کل کودکان ایرانی در این سن هستند. برآوردها حاکی از آن است که نیمی از این تعداد، بر اثر عواملی مانند بیماری و فقر فرهنگی درگیر سوءتغذیه‌اند و نیمی دیگر از این کودکان زیر ۶ سال، فقط و فقط به این خاطر دچار سوءتغذیه و رشد ناکامل مغزی هستند که در خانواده‌های تهیدست به دنیا آمده‌اند.

روزها و ماه‌ها و سال‌های این کودکان در شرایطی سپری می‌شود که نرسیدن مواد غذایی لازم به وجود کودخانه‌شان، آن‌ها را محکوم می‌کند که عمری را با مغزهایی تکامل نیافته به سر کنند.

کارشناسان بهداشت در سراسر کشور به ویژه در مناطق روستائی و محروم متوجه شده‌اند که تعداد قابل‌توجهی از کودکان، رشد متناسب با سن‌شان را ندارند. بررسی‌ها نشان داد که بسیاری از این کودکان زیر ۶ سال در خانواده‌های مستمندی زندگی می‌کنند که قادر به رفع نیازهای غذایی کودکان‌شان نیستند.

این وضعیت باعث شد که سازمان ملل، ایران را در زمره کشورهایی بداند که دارای شیوع بالای سوءتغذیه در میان کودکان زیر ۶ سال هستند.

سایت عصر ایران، نوشت: کودکان فقیر ایران دچار سوءتغذیه‌اند. آینده ایران در خطر است. کسی متوجه این فاجعه هست؟!

تروریسم جمهوری اسلامی

تحکیم قدرت سیاسی - نظامی و پایه‌های ارکان قدرت از طریق حذف فیزیکی مخالفان، گفتمان غالب ماشین ترور جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر است. تمرکز این نوشته بر ترور ایرانیان برون مرز در طول عمر جمهوری اسلامی ایران است. اما الگوهای ترور در ده سال اخیر تغییر یافته است.

اگر در دو دهه اول، اپوزیسیون نسل اول انقلاب هدف قرار می‌گرفتند، امروز نسل بعد از انقلاب در داخل حکومت که از آن دور می‌شوند و به افشاگری می‌پردازند، هدف قرار می‌گیرند: ترور مسعود مولوی در ترکیه، ربایش و اعدام روح‌الله زم.

دوالگوی اجرائی در این ترورها دیده می‌شود: اول ترور توسط موتورسواران و استخدام قاتلان حرفه‌ای با زدن گلوله به سر و گردن (غلام کشاورز و شهریار شفیق، محمدرضا کلاهی)، و دوم ازپا درآوردن با ضربات کارد و بدون سرو صدا (عبدالرحمن برومند، شاپور بختیار، و فریدون فرخزاد)

هیچ‌یک از این ترورها خودسرانه نبوده، همه آن‌ها با حکم یا ازطرف خمینی و یا بعدا از سوی دیگر مقاماتی در حکومت صادر شده است.

این ترورها به صورت سیستماتیک برای حذف فیزیکی مخالفان انجام گرفته است.

دادگاه بلژیکی به حکم ۲۰ سال حبس برای دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی ایران ایرانی رای داد!

یک دادگاه در بلژیک روز پنج‌شنبه، ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، به محکومیت قطعی یک دیپلمات جمهوری اسلامی رای داد و او را به گذراندن ۲۰ سال زندان محکوم کرد.

خبرگزاری رویترز روز پنج‌شنبه به نقل از نماینده دادستانی در شهر آنتورپ در بلژیک نوشت که اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی، حکم محکومیت دریافت کرده است.

جمهوری اسلامی سال‌هاست که به انجام اقدامات تروریستی و قتل به‌ویژه در اروپا متهم است، اما این نخستین بار است که یک مقام این حکومت در دادگاهی اروپایی با چنین اتهاماتی محکوم می‌شود.

اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی شاغل در اتریش، به اتهام توطئه برای بمب‌گذاری در اجتماع شورای ملی مقاومت در ژوئن ۲۰۱۸ در حومه پاریس، در آلمان بازداشت شد.

پولیس بلژیک در ژوئن ۲۰۱۸ اعلام کرد که انتقال مواد منفجره به فرانسه برای بمب‌گذاری را خنثی کرده است. دولت فرانسه اکتبر پارسال وزارت اطلاعات ایران را به طراحی و اجرای این توطئه متهم کرد.

نماینده دادستانی روز پنج‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه حکم دادگاه آنتورپ را «تاریخی» خواند و اسدی را «نخستین مقام ایرانی» خواند که به «جرم تروریسم» محکوم شده است.

به گفته ژرژ هانری بوتیه، حکم دادگاه نشان‌دهنده «دو چیز است: این که دیپلمات‌ها برای جرم و جنایت مصونیت ندارند و... مسئولیت جمهوری اسلامی ایران در اقدامی که می‌توانست کشتار به راه بیندازد.»

دیپلمات ایرانی حدودا ۵۰ ساله که در سفارت ایران در اتریش شاغل بود، متهم است که ماده‌ای انفجاری به وزن نیم کیلوگرم در اختیار یک زوج ایرانی ساکن در بلژیک قرار داده تا این همایش را هدف حمله قرار دهند.

اسدالله اسدی که از حضور در دادگاه خودداری کرده هرگونه نقش در توطئه بمب‌گذاری در گردهمایی مجاهدین خلق که توسط نیروهای امنیتی خنثی شد، را تکذیب کرده است.

در این پرونده سه متهم دیگر به نام‌های امیر سعدونی، نسیمه نعمی و مهرداد عارفانی نیز حضور داشتند و هر سه در همین روز حکم زندان خود را از ۱۵ تا ۱۸ سال حبس دریافت کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این سه نفر علاوه بر حکم زندان، شهروندی بلژیک را نیز از دست می‌دهند.

اوایل بهمن‌ماه، رسانه‌های المانی گزارش دادند که پولیس این کشور دو دفترچه یادداشت در خودروی اسدالله اسدی کشف کرده که در یک دفترچه دستورالعمل رمزگذاری شده ساخت بمب دستی نوشته شده و در دفترچه دیگر که شامل ۱۸۹ یادداشت است، اطلاعاتی درباره مکان‌های مختلف گردشگری و تاریخی در کشورهای المان، فرانسه، اتریش، جمهوری چک، مجارستان، ایتالیا، بلژیک و هلند نوشته شده است.

بر اساس اطلاعات نوشته شده در دفترچه دوم، اسدی به برخی افراد ناشناس که نام ایرانی دارند، مبالغی بین ۲۵۰۰ تا ۵ هزار یورو پرداخت کرده است.

پیش‌تر اعلام شده بود که در مجموع ۱۰۰ هزار یورو پول به حساب بانکی امیر سعدونی و نسیمه نعمی، زوج ایرانی ساکن بلژیک واریز شده ولی منبع ارسال این پول‌ها مشخص نیست.

نامه تکان‌دهنده هشت زن زندانی سیاسی و اجتماعی: سال ۹۹ با وقوع فاجعه‌ای دیگر به پایان نزدیک می‌شود!

«سال ۹۹ با وقوع فاجعه‌ای دیگر به پایان خود نزدیک می‌شود.

درگذشت بهنام محجوبی، درویش گنابادی محبوس در زندان اوین که یکی از صدها زندانی سیاسی، عقیدتی زندان‌های ایران است، این خبر تلخ اگر چه داغ درد و رد خشمی است ابدی بر پیکر زخم آگین جامعه‌ای آرمان‌خواه و آزادی‌طلب، زنجیره‌ای از اعمال سرکوب‌های سیستماتیک علیه فعالان سیاسی، صنفی، مدنی و هزاران زندانی بی‌نام و نشان یا به اصطلاح عمومی زندان‌های ایران را پشت سر دارد. فشارهایی که نه تنها سلب حقوق اولیه و ضروری، بلکه مرگ، فقدان و خاموشی انسانی را در پی داشته است که از آن جمله می‌توان به کاووس سیدامامی، علیرضا شیر محمدعلی، ستار بهشتی، محسن دگمه چی، محمد راجی، شاهرخ زمانی، سینا قنبری و... اشاره کرد.

این در حالی‌ست که در قریب به اتفاق این موارد، نظیر مورد اخیر پیش از وقوع هر اتفاق ناگواری از سوی زندانیان و خانواده‌های آنان به اشکال گوناگون تحمیل فشارهای عامدانه که نیتی جز حذف افراد و افکار ندارند، مجدانه اشاره گردیده است هر چند تنها پاسخ، تداوم مانع تراشی‌ها و نادیده انگاری‌ها بوده است.

ما اعضای بند زنان زندان اوین، ضمن اعلام همدردی و همبستگی با خانواده و عزیزان بهنام محجوبی و تمامی آنانی که جان خود را در راه آرمان جهانی نکوتر فدا کردند، به عنوان ناظران عینی فشارهای هدف‌مند دستگاه‌های قضائی و امنیتی شهادت می‌دهیم که علی‌رغم تبلیغات دروغین و هر روزه حاکمیت با شعار «احقاق حقوق زندانیان» این حقوق اولیه انسانی ست که به سهولت پایمال می‌شود.

از این جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد:

تبعید ۱۳ تن از زندانیان این بند- مسأله‌ای که پیش‌تر بر دیگر زندانیان از جمله درویشان گنابادی نیز اعمال شده بود- با دلایل کذائی و فریبکاری‌هایی نظیر فراخواندن به اعزام‌های دروغین، تنها با هدف پراکنده‌سازی زندانیان سیاسی، ایجاد نا امنی و امید واهی شکستن حلقه‌های مقاومت در میان آنان. افزایش چشمگیر جمعیت زندان‌ها علی‌رغم توصیه پروتکل‌های بهداشتی از طریق سرکوب همه‌جانبه و بازداشت فراگیر فعالان که غالباً امکان تودیع مبالغ هنگفت قرارهای وثیقه را ندارند، به انضمام اجرای طرح «تعیین تکلیف پرونده‌های قضائی» که بسیاری از محکومان سالیان گذشته را روانه زندان‌ها کرده است.

دخالت‌های غیرقانونی ضابطین و تشدید حساسیت‌های بی‌اساس امنیتی در راستای سلب حقوق ابتدائی محکومان نظیر مرخصی، آزادی مشروط و تخفیف مجازات‌ها، همچنین پرونده سازی‌های مکرر، تهدیدهای بی‌رویه و دخالت‌های فراقانونی بی‌حد و مرز که حتی سعی در کنترل مسائل داخلی بند و مخدوش‌سازی روابط انسانی میان زندانیان دارند.

و در آخر بی‌توجهی به وضعیت بیماران و روند درمانشان، اهمال و تاخیر در اعزام به مراکز درمانی (بهداری و بیمارستان) و دریافت هزینه‌های درمانی گزاف از آنان، استفاده از علم روانپزشکی به مثابه ابزار بازجویی و کنترل افراد با روش‌هایی چون انتقال اجباری به بیمارستان رازی (امین آباد) حتی جهت تحقیر شخص و تقلیل مسائل وی به معضلات روحی - روانی، تجویز داروهای خواب آور بدون نام مشخص و بسته‌بندی استاندارد به تعداد زیاد و با اجبار افراد به بلعیدن یکجا و همزمان چندین قرص در حضور زندانبان‌ها، همه همه در تکمیل یکدیگر زمینه‌ها را برای بروز فجایعی دیگر در آینده‌ای نه چندان دور مهیا می‌سازد.

ما امضاءکنندگان این نامه ضمن تاکید مجدد بر اهمیت پافشاری بر احقاق حقوق مفقوده زندانیان، فشارها و تهدیدهای روزافزون دستگاه قضا و ضابطین امنیتی در جهت سانسور وضعیت بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها و سرکوب هر گونه دادخواهی از خون‌جان‌باختگان را عبث و بیهوده دانسته و با امید و ممارست در راه نیل به آینده‌ای روشن، این جنایات را محکوم می‌کنیم.

مریم اکبری منفرد، عالییه مطلب‌زاده، راحله اصل احمدی (مادر صبا کرد افشاری)، حدیث صبوری، زینب همرنگ، شیوا اسمعیلی، پریسا رفیعی و آتنا دائمی/ اسفندماه ۹۹/ بند زنان زندان اوین.»

به گزارش هرا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۲۱ زن زندانی در زندان قرچک ورامین به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند، اما از دریافت خدمات درمانی و پزشکی مناسب برخوردار نیستند.

بر اساس این گزارش پس از ابتلای صبا کردافشاری، فعال مدنی محبوس به ویروس کرونا، چهارشنبه ۲۷ اسفندماه ابتلای ۲۰ زندانی دیگر در بند ۶ زندان قرچک ورامین از جمله مریم ابراهیم‌وند، نویسنده و کارگردان سینما به کرونا توسط بهداری زندان تأیید شده است.

این زندانیان زن با وجود مثبت بودن تست کرونا همچنان بدون رسیدگی پزشکی در بند ۶ زندان قرچک به سر می‌برند و تاکنون هیچ اقدامی برای قرنطینه زندانیان مبتلا به کرونا انجام نشده است. این اتفاق به دلیل ضعف مدیریت و انتقال مستقیم زندانیان جدید الورد بدون رعایت غربالگری، فاصله‌گذاری اجتماعی و طی کردن دوره قرنطینه، به بهانه کمبود فضا به بند عمومی زندان صورت گرفته است.

یک منبع آگاه در خصوص وضعیت صبا کردافشاری به هرا گفته سطح اکسیژن خون او به زیر ۷۰ درصد رسیده و از درد شدید در قفسه سینه رنج می‌برد:

«به دلیل کاهش اکسیژن خون صبا تاکنون چند بار زیر اکسیژن رفته است. همچنین در پی کاهش شدید فشار خون و برای جلوگیری از به کما رفتن، به او داروئی تزریق کرده‌اند.»

علاوه بر این ۲۱ زندانی، شمار دیگری از زندانیان محبوس در بند ۶ زندان قرچک ورامین نیز با علائم مشکوک ابتلا به کرونا از جمله تب، درد قفسه سینه و سرفه خشک مواجه هستند، اما تاکنون از آنها تست کرونا گرفته نشده است.

بر اساس گزارش‌ها روزانه دست‌کم سه زندانی جدید بدون رعایت غربالگری، فاصله‌گذاری اجتماعی و طی کردن دوره قرنطینه، مستقیماً به بند ۶ منتقل می‌شوند که از میان آنها برخی پس از یک روز تا یک هفته با تودیع قرار آزاد می‌شوند. از سوی دیگر اقلام بهداشتی همچون ماسک، دستکش و مواد ضدعفونی‌کننده نیز در اختیار زندانیان قرار داده نمی‌شود. به علاوه تغذیه نامناسب، نبود امکانات بهداشتی و پزشکی لازم و تراکم بالای جمعیت در بند، سلامت زندانیان را در معرض خطر قرار داده است. هم اکنون حدود ۱۰۰ زندانی در بند ۶ زندان قرچک ورامین به سر می‌برند.

مردادماه سال جاری سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد نسخه‌هایی از چهار نامه را رویت کرده که از طرف مقامات سازمان زندان‌ها که زیر نظر قوه قضائیه فعالیت می‌کند، به وزارت بهداشت نوشته شده و زنگ خطر را درباره کمبود شدید تجهیزات حفاظتی شخصی، مواد ضدعفونی کننده و تجهیزات و لوازم پزشکی کلیدی به صدا درآورده است. وزارت بهداشت این درخواست‌ها را بی‌پاسخ گذاشته و زندان‌های ایران همچنان در مقابل شیوع بیماری‌های واگیردار از جمله کرونا به شکل فاجعه‌باری از تجهیزات و امکانات مناسب برخوردار نیست.

زینب جلالیان، تنها زندانی سیاسی زن دارای حکم حبس ابد در ایران است. او کمتر از یک ماه دیگر وارد چهاردهمین سال حبس خود بدون یک روز مرخصی می‌شود تا همچنان تنها زنی باشد که طولانی‌ترین مدت حبس را تحمل کرده است. زینب اما با چشم‌هایش که این روزها سوئی برای آنها نمانده، همچنان سرود مقاومت و فریاد زندگی در برابر سرکوب است.

گلرخ ابراهیمی ایرانی، دیگر زندانی سیاسی زن در ایران، صدای رسای عدالت‌خواهی از پشت دیوارهای بلند زندان است. او که سر خم نمی‌کند، نزدیک به پنج سال است در سخت‌ترین شرایط، دوران حبس خود را می‌گذراند.

زینب و گلرخ معنای تازه‌ای به همبستگی میان زندانیان سیاسی زن و اراده مقاومت بخشیده‌اند و از این رو نهادهای امنیتی برای در هم شکستن آن‌ها از هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌اند. روایت آن‌چه بر این دو زندانی سیاسی زن گذشته، مجموعه‌ای از انواع بی‌عدالتی‌ها، قانون‌شکنی‌ها و میل افسارگسیخته به سرکوب است. قوه قضائیه و نهادهای امنیتی در قبال برخی زندانیان سیاسی همچون گلرخ ایرانی و زینب جلالیان کوچک‌ترین نرمشی از خود نشان نمی‌دهند، بلکه مدام فشارها را بر آنها افزایش می‌دهند.

هشت تن از کارشناسان سازمان حقوق بشر ملل متحد پنج‌شنبه ۲۸ اسفند - ۱۸ مارس در بیانیه‌ای از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران خواستار آزادی فوری احمدرضا جلالی، پزشک و پژوهشگر ایرانی-سوئدی شدند. به گفته آن‌ها احمدرضا جلالی به دلیل نگهداری طولانی مدت در سلول انفرادی در شرایط بسیار وخیمی به سر می‌برد و با خطر مرگ روبه‌رو است.

سپیده قلیان: مرا با دستبند و پابند در میدان انقلاب چرخاندند!

سپیده قلیان یک هفته بعد از آن که با وجود مخالفت خود و خانواده‌اش به زندان بوشهر که ۶۰۰ کیلومتر با محل زندگی خانواده‌اش فاصله دارد، تبعید شد؛ در نامه‌ای که در رسانه‌ها پخش شده است، درباره این انتقال و شکنجه‌هایی که در زندان‌های جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، اطلاعات تازه و تکان‌دهنده‌ای را افشا کرده است.

سپیده قلیان در این نامه نوشته است: «در این مدت به همه راه‌های قانونی چنگ زدم تا با انتقال به زندان سپیدار کمی از بار این وضعیت طاقت‌فرسا را از روی دوش خانواده‌ام بردارم. از دیدار با نماینده قوه قضائیه و رئیس زندان اوین و نماینده دادستان تا نوشتن صد و پنجاه نامه به صد و پنجاه مسئول مربوطه و تحصن و اعتصاب ملاقات، اما نه تنها پاسخی دریافت نکردم بلکه دو پرونده امنیتی دیگر هم علیه‌ام تشکیل دادند.»

سپیده قلیان سپس نوشته است در حین انتقال به زندان بوشهر، او را با دستبند و پابند در میدان انقلاب چرخانده و به نمایش گذاشته‌اند:

«سپس دست و پام را غل و زنجیر کردند و به میان مردم در میدان انقلاب بردند و چرخاندند. مردم با نگاه‌های هاج و واج فکر می‌کردند که این قاتل زنجیره‌ای کیست؟ می‌خواستم داد بزنم من نه امید اسدبیگی هستم و نه کسی که دوبار به

هواپیمای اوکراین شلیک کرد! اما طوری میان چنگال‌های مردانه و نگاه‌های حریص‌شان احاطه شده بودم که فریاد در گلویم خفه شد.

کارنامه حقوق بشر جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۹

گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۹۹ حاکیست از ابتدای فروردین‌ماه تا ۲۵ اسفند، بیش از ۲ هزار و ۸۰۶ شهروند ایرانی توسط مأموران حکومتی بازداشت شده‌اند.

گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۹۹ از سوی وبسایت حقوق بشری «هرانا» بر مبنای بررسی، تحلیل و مستندسازی نزدیک به ۵ هزار داده و اطلاعات منتشر شده است.

گردآورندگان این آمار تاکید دارند که آمارهای ارائه شده به دلیل عدم دسترسی به منابع لازم و فعالیت آزادانه سازمان‌های مستقل مدافع حقوق بشر در ایران، آئینه تمام‌نمای جنایات صورت گرفته توسط حکومت علیه مردم نیست، «بنابراین این گزارشات را باید حداقل تعریف وضعیت حقوق بشر در ایران دانست که صرفاً توسط نهادهای مدنی از جمله هرانا گزارش شده‌اند و به واسطه نهاد آمار این تشکل گردآوری و ثبت شده‌اند».

داده‌های این گزارش حاکیست، از اول فروردین‌ماه تا ۲۵ اسفندماه، ۲ هزار و ۸۰۶ شهروند در ایران به دلیل گرایش عقیدتی و سیاسی بازداشت شدند و ۱۴۴ نفر نیز به دلیل سبک زندگی متفاوت از ساختارهای مورد پسند نظام دستگیر شده‌اند.

بر اساس تقسیم‌بندی این گزارش، هزار و ۷۶۸ نفر جزو بازداشت‌شدگان دسته حقوق آزادی اندیشه و بیان، ۸۳ نفر کارگر، فعال کارگری و اصناف، ۴۰۸ نفر فعال رسانه‌ها و فضای مجازی، ۸۴ نفر اقلیت مذهبی، ۴۰۵ نفر از افراد با خاستگاه اتیک و ۶ نفر از زنان معترض و فعال حقوق زنان به شمار می‌روند.

گزارش حقوق بشر در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد، در جریان اعتراض‌ها در مناطق ترک‌نشین ایران در واکنش به جنگ در منطقه قره‌باغ (مهرماه)، «۸۱ نفر» از شهرهای اردبیل، تبریز، ارومیه، مشکین‌شهر، پارس آباد مغان، هادی شهر، جلفا، کلیبر و زنجان بازداشت شدند.

همچنین، مأموران امنیتی پنجشنبه ۲۶ تیرماه، دستکم ۶۸ نفر از معترضان بهبهان علیه «وضعیت نابسامان اقتصادی کشور» و «صدور حکم اعدام در پاسخ به اعتراضات مردمی سال گذشته» را بازداشت کردند. در بهبهان ۴۲ نفر دیگر نیز در اعتراضات کارگری و صنفی بازداشت شدند.

۱۴۴ نفر به دلیل شیوه و سبک زندگی متفاوت خود از بستر حاکم و شرکت در مهمانی‌های خصوصی در شهرهای مختلف بازداشت شدند که نقض آشکار حریم خصوصی شهروندان و خلاف قوانین حقوق بشری است. ۲۱ نفر هم به دلیل فعالیت در زمینه مدلینگ، موسیقی و رقص نیز بازداشت شدند.

صدور دستکم ۲۵ هزار و ۸۲۸ ماه زندان تعزیری و ۹۴۷ ماه حبس تعلیقی برای بازداشت‌شدگان عقیدتی و امنیتی بر مبنای گزارش سالانه حقوق بشر در سال ۱۳۹۹، دادگاه‌های عمومی و انقلاب اسلامی، در ۷۴۱ پرونده به طور مجموع ۲۵ هزار و ۸۲۸ ماه زندان تعزیری و ۹۴۷ ماه حبس تعلیقی برای بازداشت‌شدگان عقیدتی یا امنیتی صادر کردند.

دادگاه‌های حکومت علاوه بر صدور حکم زندان، برای بازداشت‌شدگان جرمه نقدی بالغ بر ۱۹۴ میلیارد و ۳۷ میلیون تومان صادر کرده است.

ثبت ۱۷ هزار مورد ازدواج کودکان و خودکشی دستکم ۷۵ کودک

برمبنای این گزارش سالانه، در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۱۷ هزار ازدواج کودکان به ثبت قانونی رسیده است. همچنین ۷۵ کودک اقدام به خودکشی کردند و یک کودک دست به خودسوزی زده است. ۱۰ کودک مورد تجاوز و آزار جنسی و ۱۰ کودک نیز به قتل رسیده‌اند.

مجازات‌های صادر شده در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، شامل صدور ۲۱ هزار و ۲۶۵ ضربه شلاق، اجرای ۸۷۱ ضربه شلاق و ۲۲۷ ضربه شلاق در ملا بوده است. علاوه بر این، ۴ حکم قطع دست نیز از سوی این دادگاه‌ها صادر شده است.

ثبت حداقل ۵۶۲ مورد خشونت علیه زنان و ۱۷ قتل «ناموسی»

برخلاف ادعاهای معصومه ابتکار معاون امور زنان و خانواده حسن روحانی، گزارش سال ۱۳۹۹ از خشونت خانگی علیه زنان حاکی از ثبت دستکم ۵۶۲ مورد خشونت خانگی است.

برمبنای این گزارش حقوق بشری، سال ۱۳۹۹، ۵ مورد اسیدپاشی، ۶ مورد خودسوزی، ۴ مورد خودکشی زنان به ثبت رسیده و ۱۷ زن نیز قربانی قتل‌های ناموسی توسط خانواده‌های خود بودند.

۲۵۰ شهروند هدف شلیک نیروهای نظامی قرار گرفتند

در طول سال ۱۳۹۹، مجموعاً ۲۵۰ شهروند هدف شلیک نیروهای نظامی قرار گرفتند، که از میان آن‌ها ۱۰۱ شهروند جان خود را از دست دادند، که این آمار شامل جان باختن ۳۷ کولبر، ۲۶ سوخت‌بر و ۳۸ شهروند می‌شود. ۱۴۹ شهروند نیز به واسطه شلیک بی‌ضابطه ارگان‌های نظامی مجروح شدند که از این تعداد ۱۰۸ نفر کولبر، ۱۹ شهروند عادی و ۲۲ نفر سوخت‌بر هستند.

۱۸ کولبر دیگر نیز به واسطه شرایط اقلیمی و جغرافیائی مانند سرمازدگی و سقوط از ارتفاع دچار حادثه شدند، که از این تعداد ۱۰ کولبر زخمی شدند و ۸ کولبر جان باخت.

در کنار قتل‌هایی که به صورت مشخص بر اثر عملکرد نیروهای نظامی صورت گرفت، دستکم ۱۲ شهروند به واسطه انفجار مین در مناطق مختلف کشور جان خود را از دست دادند. همین‌طور ۱۶ تن دیگر زخمی شدند. عمده این مین‌ها بازمانده از زمان جنگ است که دولت ایران مسئولیت مشخصی در خنثی کردن آنان یا محصور کردن مناطق آلوده به هدف ایجاد امنیت شهروندان و حفظ جان آنان را دارد.

اعدام دستکم ۲۴۹ نفر از جمله ۷ زن و ۴ کودک

همچنین دستکم ۲۴۹ شهروند از جمله ۷ زن و ۴ کودک- مجرم اعدام شدند. از این تعداد یک مورد اعدام در ملاء عام صورت گرفته است. در سال ۱۳۹۹ همچنین، ۷۸ نفر شامل ۲ کودک-مجرم به اعدام محکوم شده‌اند.

این گزارش نشان می‌دهد، دستکم ۴ هزار و ۹۷۹ کارگر اخراج و بیکار شدند. یک هزار و ۶۷۳ نفر در سوانح حین کار کشته و ۵ هزار و ۴۲۶ نفر صدمه جسمانی دیدند. ۳۴ هزار و ۸۱۱ کارگر حقوق عقب‌مانده خود را دریافت نکرده‌اند و به طور مجموع ۲ هزار و ۸۳ ماه حقوق خود را طلب‌کارند.

برگزاری حداقل ۲۳ هزار و ۸۷۳ تجمع اعتراضی

گزارش سالانه حقوق بشر ایران، همچنین گویای برگزاری حداقل ۲۳ هزار و ۸۷۳ تجمع اعتراضی در سال ۹۹ است. این اعتراضات شامل ۱۶۷۴۱ تجمع کارگری، ۶۸۳۵ مورد تجمع صنفی، ۲۰ تجمع دانشجویی بود و همچنین ۲۷۷ گروه از شهروندان که بیش‌تر آن‌ها مال‌باختگان و یا دیگر افرادی هستند که حق شهروندی‌شان تضییع شده و به دلیل عدم احقاق خواسته‌ها و مطالبات‌شان در ۲۴ استان تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در همین رابطه ۴ اعتصاب صنفی و ۷۱۳۰ اعتصاب کارگری نیز برگزار شد.

درخواست اعدام برای خلبان ۷۳ ساله به خاطر نوشیدن مشروب

یک شهروند در تهران، به اتهام شرب خمر بازداشت و در دادگاه کیفری یک این استان، به ریاست قاضی محمدی کشکولی، پای میز محاکمه رفت. نماینده دادستان برای این شخص درخواست حکم اعدام را مطرح کرد. به گزارش خبرگزاری رکنا، ۳ اسفند ۱۳۹۹، فردی در شمال تهران به اتهام شرب خمر و رانندگی در حال مستی بازداشت شد و پای میز محاکمه رفت.

بر اساس این گزارش این فرد که نام وی احسان عنوان شده، ۷۳ ساله و خلبان بازنشسته است. وی در دادگاه منکر مصرف مشروبات الکلی شد، اما در بررسی پرونده‌اش مشخص شد، پیش‌تر سه مرتبه به همین اتهام بازداشت و حکم حد (شلاق) برای وی اجرا شده است.

او سپس به اتهام شرب خمر با وصف سه مرتبه اجرای حد، در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدی کشکولی پای میز محاکمه رفت.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و برای وی درخواست اعدام را مطرح کرد. این فرد در دفاعیاتش گفت: من بی‌دلیل بازداشت شدم و هیچ‌گونه مشروبی مصرف نکرده‌ام. به اجبار از من تست الکل گرفتند و به همین خاطر من برگه تائید کننده مثبت بودن تست الکل را امضاء نکردم. من این اتهام را قبول ندارم. سپس وکیل به دفاع از موکلش پرداخت و گفت: این پرونده نواقص بسیاری دارد و موکلم نیز در پرونده اعتراف به مشروب‌خواری نداشته است. از این رو تقاضای برائت وی را دارم.

۲۸ زندانی سیاسی در ایران: به یاد گرسنگان وطن بر سفره نوروز اعتصاب غذا می‌کنیم!

۲۸ نفر از زندانیان سیاسی در ایران که در زندان‌های مختلف نگهداری می‌شوند با انتشار بیانیهای اعلام کرده‌اند که «به یاد و احترام رنج‌های مشترکمان و در اعتراض به ظلم‌های ستم‌گران» سال ۱۴۰۰ خورشیدی را با اعتصاب غذا آغاز می‌کنند.

در این بیانیه، که فعالان حقوق بشر آن را منتشر کرده‌اند شماری از موارد برجسته نقض حقوق بشر در سال ۱۳۹۹ و سال‌های اخیر فهرست شده است.

زندانیان سیاسی امضاءکننده این بیانیه گفته‌اند سه روز اعتصاب غذا می‌کنند. آن‌ها ضمن اشاره به نقض آزادی‌های سیاسی به طور ویژه به «خشونت کشنده فقر» و نابرابری‌های اقتصادی اشاره کرده و گفته‌اند خود را ایستاده در کنار «کارگران، معلمان، بازنشستگان و زحمت‌کشان» می‌بینند.

از اعتراضات سراسری دی ماه ۱۳۹۶ شعارهای اقتصادی و ضدحکومتی در بسیاری از اعتراضات ایران هم‌زمان بیان می‌شود. در چهار سال اخیر موج‌های پیاپی از اعتراضات کارگری، معلمان و بازنشستگان رخ داده است.

۲۸ نفر از زندانیان سیاسی ایران در بیانیه نوروزی خود گفته‌اند: «ما به یاد و احترام رنج آوارگانی که در حاشیه‌نشینی و پشت‌بام خوابی به اسارت رفته‌اند و در اعتراض به استبدادی که حتی در زندان هم در پی گسستن هر پیوندیست و به جبر تبعید آواره‌ات می‌کند، اعتصاب غذا خواهیم کرد.»

آن‌ها به مرگ زندانیانی چون بهنام محجوبی و اعدام زندانیان سیاسی دیگر، از جمله نوید افکاری، مصطفی صالحی، و محمد ثلاث اعتراض کرده و گفته‌اند حکومت ایران سیستمی است که «امنیتش را بر سرکوب میزان می‌کند.»

این زندانیان، که چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون کیوان صمیمی، امیرسالار داودی و کسری نوری در میانشان هستند، به اعتراضات آبان ۹۸ نیز پرداخته‌اند.

آن‌ها با اشاره به کشتار معترضان در آبان ۹۸ گفته‌اند در «اعتراض به ظلم و ستمی که برای بقایش هیچ گلوله‌ای را هوایی تلف نمی‌کند» اعتصاب غذا می‌کنند.

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، از جمله محمدجواد ظریف، وزیر خارجه، واقعیت شمار بالای زندانیان سیاسی و عقیدتی را انکار می‌کنند و می‌گویند که در ایران کسی برای بیان عقیده و فعالیت‌های سیاسی و مدنی مسالمت‌آمیز زندانی نمی‌شود.

فشار بر کانون نویسندگان ایران و اعضای آن

سانسور و سرکوب و قتل به‌خاطر درخواست آزادی بیان؛ رابطه حکومت اسلامی با اعضاء کانون نویسندگان ایران مهم‌ترین مسأله نویسندگان و شاعران ایرانی در یک صدساله گذشته آزادی بیان و رهائی از فشار سانسور و سرکوب دولتی و ایجاد تشکیلی برای ایستادگی برابر سانسور و اختناق حکومت‌ها بوده است.

کانون نویسندگان ایران طی بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن تأیید حکم یازده سال زندان آرش گنجی مترجم و منشی هیئت دبیران این کانون در دادگاه تجدیدنظر استان تهران، خواستار آزادی بی‌قید و شرط رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین، کیوان باژن، گیتی پورفاضل و علیرضا نوری دیگر... محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، دو نویسنده سرشناس و از اعضای کانون نویسندگان ایران، در دهه ۷۰ بودند که به دست وزارت اطلاعات در پروژه‌ی قتل‌های زنجیره‌ای کشته شدند.

رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن، سه نفر از فعالین کانون نویسندگان ایران جهت اجرای حکم حبس، به زندان اوین رفتند. سه نویسنده سه ماه پیش احضار شده بودند اما احکام آن‌ها تا پنج مهرماه به تعویق افتاده بود. کانون نویسندگان ایران در گزارشی اطلاع داده است که شنبه پنج مهر ماه رضا خندان (مهابادی) و بکتاش آبتین، دو عضو هیئت دبیران کانون و کیوان باژن عضو پیشین هیئت دبیران جهت اجرای حکم به زندان اوین منتقل شدند. به گفته کانون نویسندگان آقایان خندان (مهابادی) و آبتین هر یک به شش سال و آقای باژن به سه سال و نیم زندان محکوم شده‌اند.

این سه نویسنده پیش‌تر در تاریخ یکم تیرماه ۱۳۹۹ به شعبه یک اجرای احکام احضار شده بودند؛ اما به علت شیوع بیماری کووید ۱۹، اجرای حکم آن‌ها به تعویق افتاد. بامداد شنبه ۵ مهرماه سه نویسنده در دایره اجرای احکام حضور یافتند و حوالی ساعت سه بعد از ظهر به زندان اوین منتقل شدند.

رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن اردیبهشت ۱۳۹۸ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی مقیسه محاکمه و هر یک به شش سال زندان محکوم شده بودند.

چندی بعد در هشتم دی‌ماه ۹۸ شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی زرگر حکم بدوی رضا خندان (مهابادی) و بکتاش آبتین را تأیید کرد و حکم کیوان باژن به سه سال و شش ماه تبدیل شد. کانون نویسندگان ایران اما در روز اعلام کرده بود.

دادگاه انقلاب اتهام سه نویسنده عضو کانون را «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» ثبت کرده و برای آن مصادیق و مستندات ذکر نموده از جمله: انتشار نشریه داخلی کانون نویسندگان ایران، مشارکت در تدوین کتاب تاریخچه کانون، بیانیه‌های کانون و حضور در مراسم سالگرد محمدجعفر پوینده، محمد مختاری و احمد شاملو.

کانون در گزارش خود دلیل اصلی محکومیت سه عضو فعال خود را «مخالفت با سانسور و دفاع از آزادی بیان» دانسته است.

کانون نویسندگان در اواخر اردیبهشت سال گذشته نیز به صدور حکم زندان برای رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن اعتراض کرده و احکام سنگین برای آنان را «سرکوبگرانه» خوانده بود.

در بیانیه کانون نویسندگان ایران آمده بود: «این فقط محاکمه و محکومیت سه نویسنده نیست. تنها محاکمه کانون نویسندگان ایران هم نیست. محکومیت هم‌نویسندگان و کسانی است که می‌خواهند از حق آزادی بیان برخوردار باشند.» دادگاه تجدیدنظر استان تهران محکومیت آرش گنجی، مترجم و منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران را عیناً تأیید کرد. گنجی پیش‌تر توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

کیوان صمیمی، سردبیر نشریه ایران فردا و از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر محبوس در زندان اوین از حق ملاقات و تماس تلفنی محروم شده است. شورای انضباطی زندان اوین به بهانه انتشار مطالبی از صمیمی در خصوص جنبش‌های اجتماعی در کانال تلگرامی وی کارت تلفن... کیوان صمیمی، سردبیر نشریه ایران فردا و یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران است.

صبح روز پنج‌شنبه ۲۳ بهمن-۱۱ فوریه، علیرضا نوری، شاعر، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران توسط پولیس اطلاعات و امنیت همدان در منزل شخصی خود بازداشت شده و به زندان منتقل شده است.

کانون نویسندگان ایران ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اجرای حکم زندان علیرضا نوری شاعر، نویسنده و از اعضای این کانون، خواستار آزادی بی‌قید و شرط او و تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی شد.

کانون نویسندگان ایران روز یکشنبه ۹ آذر-۲۹ نوامبر با انتشار بیانیه‌ای بر روی حساب کاربری خود در فیس‌بوک به بازداشت امین مرادی، نویسنده و شاعر و عضو این کانون اعتراض کرده است.

در اطلاعیه کانون نویسندگان ایران درباره بازداشت امین مرادی از جمله چنین آمده است: «صبح روز شنبه هشتم آذر ماه مأموران امنیتی به منزل امین مرادی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، یورش برده و پس از حدود دو ساعت تفتیش، وسایل شخصی‌اش، از جمله دو دستگاه لپ‌تاپ، کامپیوتر، تلفن همراه و تعدادی کتاب را ضبط و او را به زندان اوین منتقل کردند.»

امیرسالار داودی، وکیل دادگستری و بکتاش آبتین از اعضای کانون نویسندگان ایران محبوس در زندان اوین روز چهارشنبه ۲۷ اسفندماه دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب این زندانیان در اعتراض به جابجایی‌های متعدد زندانیان سیاسی به‌خصوص اسماعیل عبدی فعال صنفی معلمان زندانی صورت گرفته است.

با گذشت یک سال از سرنگونی بونینگ ۷۳۷ اوکراینی به شماره ۷۵۲ هنوز این پرونده در نزد افکار عمومی بسته نشده است!

اوکراین و کانادا گزارش نهائی سازمان هواپیمائی کشوری ایران در مورد سرنگونی پرواز پی اس ۷۵۲ خطوط هوائی اوکراین بر فراز تهران را رد کرده اند.

آن پرواز روز ۸ ژانویه ۲۰۲۰ هدف اصابت دو راکت سپاه پاسداران قرار گرفت که در نتیجه کلیه ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند.

سازمان هواپیمائی کشوری در گزارش خود گفت یک اپراتور دفاع ضد هوائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هواپیما را «به اشتباه» نیروی متخاصم شناسائی و بدون اجازه فرماندهان راکت‌ها را شلیک کرده است.

در پی انتشار این گزارش دیمیترو کولیا، وزیر خارجه اوکراین، در پستی ویدئویی در فیسبوک تحقیقات ایران را «یک جنبه»، شواهد ارائه شده را «گزینشی» و نتیجه را «فریبکارانه» خواند.

او گفت: «این سند شرایط حاکم بر آن رویداد را به طور کامل تشریح نمی‌کند، و علل بنیادی تراژدی یا زنجیره اقداماتی که به آن منجر را فاش نمی‌کند. این یک گزارش نیست، مجموعه از مودی‌گری‌هاست که هدف آن نه رسیدن به حقیقت، بلکه حفظ آبروی جمهوری اسلامی ایران است.»

مارک گارنو و عمر الغبرا وزرای خارجه و حمل و نقل کانادا هم در بیانیه‌ای گفته‌اند که گزارش ایران «برای پاسخ دادن به سؤالات اساسی درباره این‌که واقعا چه اتفاقی افتاد هیچ تلاشی نمی‌کند، ناقص به نظر می‌رسد و هیچ فاکت یا شواهد ملموسی در آن وجود ندارد.»

آن‌ها می‌افزایند: «کانادا به زودی نتایج تحقیقات خود درباره سرنگونی جت اوکراینی توسط ایران را منتشر خواهد کرد.»

اوکراین و چهار کشور دیگر که شهروندان یا افراد مقیم در آن‌ها در این حادثه کشته شدند - شامل کانادا، بریتانیا، افغانستان و سوئد - از ایران خواسته‌اند توضیحی کامل و جامع درباره سرنگونی هواپیما ارائه کند.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تا سه روز بعد از سرنگونی هرگونه مسئولیتی در آن را رد می‌کرد و سازمان هواپیمائی کشوری در گزارش نهائی خود به ایراد فنی اشاره کرده است. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران همچنین اجازه دادند دارائی‌های سرنشینان که در محل سقوط پراکنده بود غارت شود و بعد آن‌جا را با بولدوزر صاف کردند. اما با انباشته شدن شواهد نیروی هوافضای سپاه پاسداران گفت که یک یگان ضدهوائی‌اش، این بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ را با یک راکت اشتباه گرفت.

در آن روز پدافند هوائی ایران به دلیل اقدام سپاه در راکت‌باران دو پایگاه عراقی که محل استقرار نیروهای امریکائی بود درحال آماده‌باش بود. ایران به تلافی کشته‌شدن قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس این پایگاه‌ها را هدف می‌گرفت. طبق گزارش سازمان هواپیمائی کشوری ایران، ساقط کردن این هواپیما به دلیل «زنجیره ای از خطاهای انسانی» بوده که در روز فاجعه به وقوع پیوسته است.

گزارش سازمان هواپیمائی کشوری ایران می‌گوید که گروه بررسی‌کننده هوائی متوجه شده که واحد نظامی سپاه که به سوی هواپیما شلیک کرده «وظیفه شناسائی اهداف را به شکل ابتدائی نداشته» و در زمان شلیک موظف بوده صرفا در صورتی که هدفی از سوی مرکز به آن واگذار شود «سلسله اقدامات پیش‌بینی شده را انجام دهد».

در ادامه این گزارش آمده که جهت جغرافیائی واحد شلیک کننده سپاه به سوی هواپیما به دلیل «خطای انسانی اشتباه تنظیم شده بوده» و باعث شده اپراتور هواپیمای اوکراینی را که از سمت فرودگاه به سوی غرب در پرواز بوده هدفی تشخیص دهد که از سمت جنوب غربی و در ارتفاعی پائین به سمت تهران در حرکت است.

بر اساس گزارش سازمان هواپیمائی کشوری ایران پدافند این هدف را به مرکز اعلام کرده اما پیام با مرکز مبادله نمی‌شود و کاربر پدافند هوائی سپاه پاسداران در نهایت به سوی آن شلیک می‌کند.

این گزارش می‌گوید حدود ۳۰۰۰ ترکش راکت به هواپیما اصابت کرد.

این گزارش می‌گوید که سه خدمه کابین خلبان «ظاهرا در اثر انفجار دچار جراحاتی نشدند و در مدیریت وضعیت نقش داشتند».

این گزارش می‌گوید که احتمال دارد که راکت دوم «بر هواپیما اثری نداشته» و «هواپیما قبل از برخورد به زمین هنوز از انسجام نسبی برخوردار بوده» است.

این گزارش می‌گوید «وضعیت فنی، عملیاتی هواپیما، مسیر پروازی و ارتفاع آن، نقشی در ایجاد زمینه خطا برای شناسایی اشتباه نداشته است.»

وزرای خارجه و حمل و نقل کانادا در بیانیه خود نوشتند: «دولت ما، در کنار جناب رالف گودیل، مشاور ویژه نخست وزیر در پرونده پرواز پی‌اس ۷۵۲، به دفعات خواستار تحقیقات جامع و شفاف براساس استانداردهای بین‌المللی برای پاسخ دادن به کلیه سؤالات مهم باقی مانده شده است. در فقدان اطلاعات و شواهد قانع‌کننده، نگرانی عمیق ما با وجود انتشار این گزارش تحقیق ادامه دارد.»

آن‌ها می‌افزایند: «دولت کانادا به زودی نتایج تحقیقات خود را منتشر خواهد کرد. در روزهای آینده، هیات ایمنی حمل و نقل بررسی خود از گزارش ایران را ارائه خواهد کرد، و در هفته‌های آینده، تیم معاینات پزشکی قانونی و ارزیابی، گزارش خود را منتشر خواهد کرد.»

«زمانی که پرواز پی‌اس ۷۵۲ توسط ایران سرنگون شد، ۱۷۶ انسان بی‌گناه - که ۱۳۸ نفر آن‌ها با کانادا ارتباط داشتند - کشته شدند. خانواده‌های آن‌ها مستحق پاسخ به پرسش‌های مهمی هستند، از جمله در مورد رشته رویدادهایی که در درجه اول به شلیک این راکت‌ها منجر شد، و این‌که چرا آسمان ایران در جریان شدت گرفتن خصومت‌ها باز ماند.»

آن‌ها در پایان بار دیگر بر تعهد کانادا برای «پاسخگو کردن ایران» و «جبران کامل خسارات وارده به خانواده‌ها و عزیزان قربانیان» تاکید کردند.

در جلسه‌ای که در دادسرای نظامی تهران با حضور خانواده‌های داغدار جان‌باختگان با قاضی دادسرای نظامی برگزار شد، پدر مریم ملک از جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی، سخنرانی شجاعانه‌ای کرد و از جمله خطاب به قاضی گفت: «... چه‌طور یک مشت آدم جنایت‌کار ممکن است در تحقیقات شرکت داشته باشند. چاقو چه‌طور دسته خودش را می‌برد! چرا فرمانده هوافضای سپاه تا جنایت‌کاری که به‌عنوان وزیر امور خارجه است از کار برکنار نشدند! استدعا می‌کنم همین‌جا دستور بدهید من رو دستگیر کنند، اعدام کنند. من بعد از بچم زندگی نمی‌خوام هیچی نمی‌خوام. ما از جان گذشته‌ایم. دریغ از کمترین راست‌گویی، برای غارت وسایل بچه‌های ما چی کار کردین...»

رئیس جمهور نظامی

احمد جنتی دبیر شورای نگهبان است، در واکنش به بحث‌هایی که این روزها درباره نامزدی فرماندهان سپاه برای انتخابات ریاست جمهوری در ایران جریان دارد، چند نکته‌ای را در یک نشست خبری مطرح کرد. نکاتی او که مطرح کرد هیچ حرف تازه‌ای نیست و بارها در گذشته بدان عمل هم شده است. از جمله این که کسانی که سابقه نظامی داشته‌اند، می‌توانند در انتخابات کاندید شوند. (بارها دو سرلشکر سپاه رضائی فرمانده کل سپاه در جریان جنگ با عراق و ششمانی فرمانده نیروی دریائی) نامزد انتخابات ریاست جمهوری شده و البته شکست هم خورده‌اند!

کدخدائی سخنگوی شورای نگهبان اضافه کرد: «منع قانونی برای کسانی که سابقه نظامی داشته‌اند وجود ندارد و اگر انتخاب شوند قطعا دیگر نظامی نخواهند بود. اما دخالت نظامیانی که جهت‌گیری داشته باشند در سیاست‌های کلی رهبر انقلاب ممنوع شده است.»

این که اگر یک سردار سپاه در انتخابات ۱۴۰۰ پیروز شود لباس نظامی‌اش را در می‌آورد تا بعدا اگر لازم شد دوباره بپوشد، یک بازی با الفاظ است. همچنان که بند دوم صحبت‌های او بازی با الفاظ است. این که دخالت نظامیانی در سیاست‌های کلی رهبری ممنوع است! از ایشان باید پرسید آن نظامی‌ها که نامزد انتخابات ریاست جمهوری می‌شود،

سیاسی نیستند و جهت‌گیری سیاسی ندارند؟ اگر نیستند و ندارند، برای چه هدف و منظوری و با کدام پشتوانه سیاسی وارد صحنه می‌شود و یا پس از شکست در انتخابات دوباره لباس پوشیده و به سپاه باز می‌گردند؟ البته برای جامعه ایران فرقی نمی‌کند که ریس جمهوری نظامی باشد یا شخصی و یا آخوند. اکنون دغدغه اکثریت شهروندان جامعه ما سرنگونی کلیت این حکومت جانی است!

نگرانی وزیر کشور جمهوری اسلامی از انتخابات ریاست جمهوری

وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران با ابراز نگرانی از عدم مشارکت مردم، عدم تحرک میان جناح‌ها و گروه‌های درون حاکمیت در حوزه انتخابات گفت: «هنوز آرایش نیروهای سیاسی مشخص نشده و احتمالا تا عید هم تغییر خاصی در این فضا صورت نخواهد گرفت. از ۲۱ اردیبهشت نیز ثبت‌نام ریاست جمهوری خواهد بود و زمان آن‌چنانی برای این مسأله نداریم و همه نهادها باید تلاش کنند و احزاب به صحنه بیایند و احزاب حداقل در برابر طرفداران خود در جامعه متعهد هستند که در این زمینه فعالیت کنند.»

اصلاح‌طلبان حکومتی از نظر خودشان هم تمام شده‌اند!

اصلاح‌طلبان به خودشان و انتخابات بعدی بدبین هستند. همچنان که هر روز بر طبل انتخابات کوبیده می‌شود و نتور آن گرم‌تر می‌شود، نه صدای آهنگینی از طبل‌زنی شنیده می‌شود و نه نانی خوردنی از نتور بیرون می‌آید. یکی از ترس نظامی شدن ریاست جمهوری ۱۴۰۰ می‌گوید و دیگری از مشارکت حداقلی مردم در انتخابات پیش رو واهمه دارد.

برخی رسانه‌های متمایل به اصولگرایان و تندروها، از جمله روزنامه «جوان» که متعلق به بدنه سپاه پاسداران در ایران است، در ماه‌های گذشته در سرمقاله‌ها و یادداشت‌های تحلیلی گوناگون، نوشتن از ضرورت حضور رئیس جمهوری جوان، انقلابی و بسیجی برای انتخابات ۱۴۰۰ را آغاز کرده‌اند. ولی همزمان، برخی چهره‌های شاخص اعتدال‌گرا و اصلاح‌طلب از نگرانی حضور رئیس جمهوری نظامی می‌گویند.

در این بین، هستند چهره‌هایی که حضور نظامیان را در انتخابات سال آینده منکر می‌شوند. حتی چهره‌های نزدیک به حکومت نیز بعضا از حضور نظامیان در قوه مجریه ابراز خشنودی نکرده‌اند.

علی مطهری، نماینده سابق مجلس که به‌تازگی به صورت رسمی کاندیداتوری خود را برای انتخابات سال آینده اعلام کرده است، از ایده تشکیل دولت نظامی انتقاد می‌کند. مطهری که پیش‌تر به عنوان فردی تندرو شناخته می‌شد، در سال‌های اخیر به اصلاح‌طلبان حکومتی نزدیک‌تر شده و از تندروهای حامی راس حکومت در ایران فاصله گرفته است.

او در گفت‌وگویی، به خبر آنلاین گفته است که نمی‌شود قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی در یک جا متمرکز شود. به گفته مطهری، مردم به نظامی‌ها اقبالی نشان نخواهد داد. این نماینده ادوار مجلس همچنین اضافه کرده است: «معتقدم مردم هم رأی نخواهند داد و چندان خوششان نمی‌آید که یک نظامی در راس قوه مجریه قرار بگیرد.»

علی مطهری در عین حال گفته است که اگر یک نظامی بخواهد رئیس جمهوری شود، باید از نهاد نظامی بیرون بیاید و یا دست‌کم تعهد بدهد که اگر رأی آورد، از آن نهاد نظامی کاملاً جدا شود.

سعید محمد که به عنوان یکی از کاندیداهای مطرح انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۱۴۰۰ مطرح است، طی حکمی از سوی حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، از فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا کنار گذاشته شد. اما او در

حساب شخصی خود در توئیتر نوشت: «از آنجا که احتمال دارد به دلیل حضور اینجانب در فضای انتخاباتی شائبه‌هایی متوجه نهاد مقدس سپاه شود، در راستای صیانت از سپاه و قرارگاه انقلابی-جهادی خاتم‌الانبیاء، از سمت خود استعفاء می‌دهم.» برخی رسانه‌ها گمانه‌زنی کرده‌اند که محمد برکنار شده است و ورودش به انتخابات سال آینده با حاشیه‌هایی همراه باشد.

حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، سعید محمد را به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه منصوب کرده است؛ حکمی که چندان تأثیری در فعالیت‌های انتخاباتی سعید محمد نخواهد داشت. محمد از گزینه‌های اصلی و مطرح در میان اصول‌گرایان است که او را گزینه‌ای «اصلح» عنوان می‌کنند. او چهره‌ای جوان و از نسل دوم سپاه محسوب می‌شود که در سال ۱۳۹۷ در جایگاه فرمانده ارشد بازوی مهندسی و عمرانی سپاه منصوب شده بود؛ نقشی که با توجه به تجربیات و سن و سال او کمی عجیب به نظر می‌رسید.

حالا هم سعید محمد برای شکل دادن به «دولت جوان حزب‌اللهی» که بسیاری از اصول‌گرایان در ماه‌های گذشته به تبعیت از سخنان علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، از آن نام می‌برند، وارد میدان شده است. در عین حال، برخی تحلیل‌ها مبتنی بر این نکته است که سعید محمد به دلیل تجربه کم خود در «سیاست» شانس برای پیروزی در انتخابات ندارد، ولی ممکن است در روزهای پایانی نزدیک به رای‌گیری، ورق برگردد. یکی از بزرگ‌ترین برگه‌های برنده سعید محمد، نظر مساعد علی خامنه‌ای به تشکیل دولتی جوان و انقلابی و یک‌دست با سایر قوا است و برگه برنده دیگر او، دلسردی مردم از اصلاح‌طلبان و اختلاف نظرهای داخلی میان آن جناح.

در اردیبهشت‌ماه امسال، علی خامنه‌ای در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، «دولت جوان حزب‌اللهی» را «علاج مشکلات کشور» دانست. این دومین بار در طول یکی سال گذشته است که علی خامنه‌ای چنین توصیه‌ای در پیوند با رئیس‌جمهوری آینده دارد. گرچه، او باید خوب بداند که توصیه و حمایت او از کاندیدای مورد نظرش، کاهش مشارکت مردم را در انتخابات پیش رو در پی خواهد داشت. ولی در عین حال بر او پوشیده نیست که اصلاح‌طلبان هم از حمایت مردمی برخوردار نیستند و بختی در این دوره از رقابت‌های ریاست‌جمهوری در ایران ندارند. به همین دلیل است که رهبر نظام حاکم بر ایران هم روی گزینه «حزب‌اللهی» بودن تأکید بیشتری دارد. کسی شبیه به محمود احمدی‌نژاد؛ کاندیدای جوان و کمتر شناخته‌شده‌ای که از حمایت شخص علی خامنه‌ای برخوردار شد. ولی احمدی‌نژاد هم با حضورش در پاستور، در حالی که مجلسی یک‌دست و همسو با خود را نیز در کنار دولتش داشت، منفعتی برای کشور به همراه نیاورد.

عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در یادداشتی در روزنامه اعتماد با عنوان «نمونه دولت یک‌دست را در دوره احمدی‌نژاد دیدیم» نوشت: «رسیدن به ساختار یک‌دست برای فرار از تنوع و تناقض، اولی بدبختی است، زیرا آغاز جنگ درونی خواهد بود. نمونه آن دولت اصول‌گرای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است، که از دل آن یک‌دستی محض که همه اصول‌گرایان را چنان خوشحال کرد که سر به آسمان سائیدند، گروهی بیرون آمد که اکنون چون استخوانی تیز درگلویشان گیر کرده است.» این «استخوان تیز در گلو»، کسی نیست جز محمود احمدی‌نژاد، «جوان حزب‌اللهی» مورد تأیید علی خامنه‌ای؛ اسم رمزی که رهبر نظام حاکم بر ایران آن را با خود یدک می‌کشد، به این امید که فرزند خلفی از آن برایش متولد شود.

عبدی، در عین حال می‌گوید که با توجه به نارضائی و خشم بیشتر مردم از مدیریت کشور، «چندان غیرمنتظره نیست که افکار عمومی و حتی نخبگان سیاسی در پی شکل دادن یک مدیریت یک‌دست و هماهنگ در تمام حوزه‌ها باشند و این را شرط لازم نجات کشور و حرکت به سوی افزایش کارآمدی بدانند.» عبدی با بیان این که «این فقط خطاب به

اصول‌گرایان نیست»، «بلکه نیروهای دیگر نیز باید متوجه سراب بودن این تصویر باشند»، اضافه می‌کند: «حل مشکل کارآمدی در یک‌دستی نیست که سرابی فریبنده است.»

پروانه سلحشوری، عضو فراکسیون امید مجلس دهم، نیز به اصلاح‌طلبان هشدار داده است: «اصلاح‌طلبان بدانند که مردم دیگر از ترس مرگ به تب راضی نخواهند شد.» او که در دهمین دوره انتخابات مجلس در فهرست ائتلاف فراگیر اصلاح‌طلبان قرار داشت، می‌گوید: «مردم به این نتیجه رسیده‌اند که طیفی‌هائی از اصلاح‌طلبان، مردم را به مثابه ماشین رای برای به قدرت رساندن آن‌ها می‌دانند، چرا که در زمانی که مردم نیاز به حمایت و ابراز عقیده اصلاح‌طلبان به عنوان یک جریان سیاسی عمده در کشور دارند، متأسفانه نهادهای حزبی آنان در جهت احقاق حقوق مردم وارد نشده‌اند. ضمناً اصلاح‌طلبان نباید به این فکر کنند که مردم از ترس مرگ به تب راضی می‌شوند و به کاندیدای متبوع‌شان رأی می‌دهند.»

اینترنت

مدتی‌ست که وضعیت اینترنت در ایران نامطلوب و همراه با اختلال شدید است. روز شنبه ۲۳ اسفند ۹۹، روزنامه همشهری از قول پیمان قرداغی مدیرکل حفاظت از حقوق مصرف‌کننده در رگولاتوری وزارت ارتباطات نوشته است: «مسیر ارتباطات بین‌الملل زیرساخت از طریق قطر، با قطعی همراه است، ۸۵۰ گیگابایت از ظرفیت اینترنت زیرساخت از دست رفته و تا ۱۵ فروردین هم درست نمی‌شود.»

این مقام مسؤول در وزارت ارتباطات مدعی شده است که «قطعی در دریای مدیترانه و میانه راه مصر و ایتالیا رخ داده و طرف قطری اعلام کرده تا چهارم فروردین به‌دلیل مانور نیروهای ناتو نمی‌تواند به آن منطقه وارد شود.» در هفته‌های اخیر اختلال شدید اینترنت در ساعت ۹ شب به بعد موجب اعتراض گسترده کاربران در ایران شده است. موضوعی که با توجه به ادعاهائی مقام مسؤول در وزارت ارتباطات مملکت احتمالاً همچنان دنباله‌دار باشد. بروز مشکلات در شبکه اینترنت ایران باعث شد تا بسیاری این ماجرا را تصمیمی از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی تلقی کنند با این‌حال توجیه مقامات جمهوری اسلامی ایران درباره دلیل اختلال اینترنتی سعی دارد تا ادعای عمدی بودن این اختلالات را توجیه کند.

پس از شروع اعتراضات مردم در سیستان و بلوچستان در جریان درگیری نیروهای نظامی ایران با سوخت‌بران بلوچ، اینترنت در آن منطقه از ایران با قطعی گسترده مواجه شد. اختلالات در شبکه اینترنت سراسری نیز برای مدتی از سوی کاربران گزارش شد.

در جریان اعتراضات آبان ۹۸ بزرگترین قطعی سراسری شبکه اینترنت ایران به وقوع انجامید و شبکه اینترنت کشور به مدت نزدیک به یک هفته با اختلال و قطعی گسترده روبه‌رو بود.

مقامات جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته حساسیت بیش‌تری نسبت به فضای مجازی و فعالیت شهروندان در این فضا پیدا کردند و مقامات قانون‌گذار مملکتی هم مدام در پی سخت‌گیری‌های بیش‌تر و اعمال نظارت بر فضای مجازی هستند. یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌های نمایندگان مجلس یازدهم فراهم کردن شرایط برای توسعه اینترنت ملی در ایران بوده است.

یکی از مهم‌ترین مشکل نیروهای نزدیک به حاکمیت با فضای مجازی عدم نظارت بر شبکه‌های محبوب اجتماعی در ایران مانند اینستاگرام است. بسیاری از مقامات قانون‌گذار و اجرائی جمهوری اسلامی ایران مصرانه خواهان فیلترینگ

اینستاگرام هستند. پیش‌تر و با وجود استفاده بی‌شمار کاربران ایرانی از پیام‌رسان «تلگرام» در نهایت دادگاهی در تهران رای به فیلترینگ تلگرام داد.

گزارشگران بدون مرز: ایران یکی از بزرگترین زندان‌های جهان برای روزنامه‌نگاران است

سازمان گزارشگران بدون مرز روز پنجشنبه با صدور بیانیه‌ای از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران خواست روزنامه‌نگاران زندانی را در آستانه سال نو آزاد کند. در این بیانیه گفته شده است که ایران همچنان یکی از بزرگترین زندان‌های جهان برای روزنامه‌نگاران است، که تنها جرم آن‌ها «انجام وظیفه اطلاع‌رسانی» است. بنا بر اعلام این نهاد مدافع حقوق خبرنگاران، ۲۱ روزنامه‌نگار و شهروند- خبرنگار همچنان در حبس هستند و نوروز امسال را باید پشت میله‌های زندان سپری کنند. رضا معینی مسئول دفتر ایران و افغانستان گزارشگران بدون مرز می‌گوید این افراد خودسرانه بازداشت و در دادگاه‌های ناعادلانه به حکم‌های سنگین محکوم شده‌اند. وی در ادامه خواستار آزادی آن‌ها شد «تا بتوانند در این روزهای دشوار، در کنار خانواده‌های خود که هیچ‌گاه نمی‌بایست از آن‌ها دور می‌شدند، نوروز را جشن بگیرند.» گزارشگران بدون مرز همچنین گفته است امسال دست‌کم ۵۴ مورد احضار، بازداشت و صدور حکم‌های زندان را برای روزنامه‌نگاران شمارش کرده است.

کسب یک رتبه آخر دیگر در جهان برای جمهوری اسلامی در عرصه زیست محیطی

رئیس سازمان محیط زیست در ایران گفته است: «در زمینه توسعه انرژی‌های پاک رتبه آخر جهان هستیم.» عیسی کلانتری گفته است ایران در زمینه توسعه انرژی‌های پاک «ضعیف‌ترین عملکرد» را دارد و «رتبه آخر در جهان» را کسب کرده است. او در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه، ۱۰ اسفند در روزنامه اعتماد منتشر شده است، با اشاره به بحث پیوستن ایران به معاهده پاریس، می‌گوید این بحث در مجلس به مشکل برخورد و «فکر می‌کنند که اگر عضو معاهده پاریس شویم، جلوی توسعه کشور گرفته خواهد شد.» پس از سال‌ها مذاکره و ناتوانی جامعه بین‌المللی برای دستیابی به معاهده‌ای فراگیر در جهت مقابله با تغییرات آب‌وهوایی زمین، سران کشورهای جهان در پائیز سال ۹۴ در پاریس به توافقی دست یافتند. هدف بلندمدت توافق این است که نگذارد دمای زمین بیش از «۲ درجه سانتی‌گراد» افزایش یابد. برای تحقق این هدف، کشورهای جهان توافق کردند با اجرای سیاست‌هایی، هرچه سریع‌تر جلوی انتشار گازهای گلخانه‌ای را بگیرند. در طول سال‌های گذشته برخی مقام‌های دولتی در ایران بارها خواستار پیوستن به این معاهده شده‌اند، از جمله آبان سال ۹۷، وزیر نفت و خارجه در نامه‌های جداگانه به حسن روحانی خواستار الحاق ایران به توافق پاریس شدند ولی این موضوع کماکان بین مجلس و شورای نگهبان سرگردان است.

تلاش آژانس برای بازرسی‌های گسترده‌تر از تاسیسات هسته‌ای ایران

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تلاش آژانس برای بازرسی‌های گسترده‌تر از تاسیسات هسته‌ای ایران خبر داد.

گروسی روز جمعه ۱۴ مارس ۲۰۲۱ در مصاحبه‌ای با روزنامه آسیا نیکیکی گفت: «تولید اورانیوم در سطح بالاتر غنی‌سازی، ایران را به سطوحی نزدیک می‌کند که نمی‌توان امکان استفاده‌های نظامی از آن را نادیده گرفت.» ایران در ژانویه ۲۰۲۱ ضمن متوقف کردن اجرای پروتکل الحاقی از امکان بازرسی سریع و سایر اقدامات نظارتی به آژانس انرژی گفت که قصد دارد غنی‌سازی اورانیوم تا غلظت ۲۰ درصد را انجام دهد.

رافائل گروسی در همین راستا به آسیا نیکیکی گفت: «ایران کمی کمتر از ۲۰ کیلوگرم (اورانیوم ۲۰ درصد) دارد، اما آن‌ها دارای ۳۰۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده هستند که پیش‌تر در سطوح پائین‌تری تولید شده است. بنابراین این میزان رو به رشد است. سطح ۲۰ درصد میزان قابل توجهی است. زیرا پس از این آستانه، غنی‌سازی اورانیوم تا غلظت مناسب برای تولید سلاح آسان‌تر می‌شود.»

این مقام آژانس توقف اجرای پروتکل الحاقی از سوی ایران را یک «وضعیت فوق‌العاده» توصیف کرد و گفت: «واضح است که اگر می‌خواهید به اطمینان قابل اعتمادی برسید که انحراف نظامی وجود ندارد، نیاز به بازرسی بسیار قوی‌تر است.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود، ایران با استفاده از تجهیزات بیشتر، توانایی‌های خود را برای غنی‌سازی افزایش می‌دهند.

گروسی که ماه گذشته برای زمینه‌سازی توافق با حفظ آزادی در انجام بازرسی از سایت‌های هسته‌ای به ایران سفر کرده بود با اشاره به توافق موقت آژانس و ایران گفت: «امیدوارم این چارچوب حداکثر سه ماهه بتواند فرصتی را برای مشاوره و مذاکره دیپلماتیک در مورد توافق هسته‌ای متوقف شده ۲۰۱۵ ایران، فراهم ایجاد کند.» ماه گذشته بریتانیا، فرانسه و آلمان از ارائه قطع‌نامه توبیخی علیه ایران انصراف دادند تا به مدیر کل آژانس فرصت دهند تلاش مجدد خود را برای خروج از بن‌بست و حل و فصل مسائل با ایران، به نتیجه برسانند.

سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی به طور مشخص در موارد زیر محدودیت‌های توافق اتمی را نقض کرده است:

- ۱- تولید دست‌کم حدود ۲۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده در سطحی بالاتر از حد مجاز در برج‌ها؛ در حالی که فقط تولید اورانیوم غنی شده در حد ۳.۶۷ درصد مجاز است، اکنون ایران اورانیوم ۲۰ درصدی تولید می‌کند. این نگرانی وجود دارد که اورانیوم با غلظت بالا، سریع‌تر به اورانیوم دارای کاربرد نظامی تبدیل شود و ایران قادر باشد زمان گریز اتمی را کوتاه‌تر کند. خامنه‌ای، تولید اورانیوم ۶۰ درصدی را در نظر دارد.

- ۲- تولید دست‌کم سه هزار کیلوگرم به جای ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت زیر چهار درصد که به وضوح مغایر با محدودیت تعیین شده در برج‌هاست و سطح ذخایر ایران را برای تبدیل به اورانیوم غنی‌تر بالا می‌برد.

- ۳- استفاده از سانتریفیوژهای نسل جدیدتر که می‌توانند با سرعت بیشتر، روند تولید را کوتاه‌تر و سریع‌تر کنند. برج‌ها فقط سانتریفیوژهای آی‌آر ۱ را مجاز می‌دانند در حالی که اکنون ایران از آی‌آر ۲ و ۴ نیز استفاده می‌کند.

- ۴- راه‌اندازی و نصب سانتریفیوژهای غیرمجاز در سایت فوردو در حالی که طبق برج‌ها فقط سایت نطنز باید مورد استفاده قرار بگیرد.

این اقدامات، نگرانی و سوءظن آژانس و اتحادیه اروپا و آمریکا و احساس تهدید در کشورهای خاورمیانه را افزایش می‌دهد و سؤالات زیر را پیش می‌کشد:

- آیا جمهوری اسلامی ایران قصد دارد از توافق اتمی برج‌ها خارج شود؟

- آیا جمهوری اسلامی ایران تصمیم دارد منابع لازم برای تولید بمب اتم را انباشته و سپس از برجام و متعاقب آن از پیمان منع گسترش اتمی خارج شود و در زمان کوتاهتری به تولید بمب اتمی بپردازد؟

سران جمهوری اسلامی ایران مدعی‌اند که چنین تصمیمی ندارند و همه این اقدامات در صورتی که تحریم‌ها برداشته شود، برگشت‌پذیر خواهند بود؛ اما اقدامات دیگری که جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه انجام می‌دهد، همراه با تهدیدهای زبانی و نمایش شهرهای راکتی و راکت‌پرانی هوادارانش در عراق به پایگاه‌های نیروهای امریکائی، در جهت عکس ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی ایران است و به نگرانی‌ها دامن می‌زند. چرا که همه اقدامات جمهوری اسلامی در سطح منطقه، جامعه ایران را در معرض خطرات عدیده‌ای قرار داده و بر بحران‌هایش می‌افزاید.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرد ایران در نطنز به غنی‌سازی با سانتریفیوژ آی‌آر-۴ اقدام کرده است.

رویترز خبر داد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه در گزارشی به کشورهای عضو، تأیید کرد که جمهوری اسلامی ایران در اقدامی جدید و با نقض تعهدات خود در برجام، در تاسیسات زیرزمینی سایت هسته‌ای نطنز به غنی‌سازی اورانیوم با سانتریفیوژهای پیشرفته آی‌آر-۴ اقدام کرده است.

در این گزارش که رویترز آن را مشاهده کرده آمده است، آژانس در روز ۲۵ اسفند، ۱۵ مارس، تأیید می‌کند که ایران تزریق یواف-۶، گاز هگزا فلوراید اورانیوم، را به آبشار زنجیره ۱۷۴ تائی سانتریفیوژهای آی‌آر-۴ در نیروگاه زیرزمینی نطنز آغاز کرده است.

این در حالی است که به موجب برجام ایران تنها می‌تواند با سانتریفیوژهای نسل اول آی‌آر-۱ به غنی‌سازی اورانیوم بپردازد.

گزارش آژانس می‌افزاید: ایران می‌گوید قصد دارد دومین آبشار سانتریفیوژهای آی‌آر-۴ را در این سایت نصب کند، اما عملیات نصب این آبشارها هنوز آغاز نشده است.

گزارش آژانس گفت: «به طور خلاصه، در ۱۵ مارس، ۲۵ اسفند، ایران در حال استفاده از پنج هزار و ۶۰ سانتریفیوژ آی‌آر-۱ نصب شده در ۳۰ زنجیره آبشار، ۵۲۲ سانتریفیوژ آی‌آر-۲-ام نصب شده در سه زنجیره آبشار و ۱۷۴ سانتریفیوژ آی‌آر-۴ در یک زنجیره آبشار بوده است تا اورانیوم-۲۳۵ با غنای پنج درصد تولید کند.»

بر اساس این گزارش، در حال حاضر ایران در سایت فردو به غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد می‌پردازد.

این گزارش در حالی منتشر می‌شود که رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز سه‌شنبه ۲۶ اسفندماه در جلسه مشترک سه کمیته پارلمان اروپا گفت اوایل ماه میلادی آینده تیم فنی آژانس را برای بررسی موضوع ذرات اورانیوم غنی‌شده در مکان‌های اعلام‌نشده اعزام خواهد کرد.

او افزود: «بدون حضور آژانس و بازرسان در ایران امید به توافق معتبر ممکن نیست. ما در این زمینه روی کمک بسیار مهم اروپا و پارلمان اروپا حساب می‌کنیم.»

گروسی با اشاره به سفرهای اخیر خود به ایران اضافه کرد که آژانس تنها حضور بین‌المللی در ایران در زمینه موضوع هسته‌ای است.

موضع سه قدرت اروپایی طرف توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

سه قدرت اروپائی طرف توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران روز سه‌شنبه تعلیق اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران را یک «اقدام خطرناک و ناقض برجام» خواندند و از تهران خواستند تمامی اقداماتی که موجب کاهش شفافیت می‌شود را معکوس و همکاری کامل و به موقع با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تضمین کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، وزیران امور خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان با صدور یک بیانیه مشترک «از این که ایران از امروز تعلیق پروتکل الحاقی و تدابیر شفاف‌ساز تحت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را آغاز کرده است»، ابراز تاسف و نگرانی عمیق کردند.

اقدامات ایران برای عبور از تعهدات خود تحت برجام در واکنش به خروج واشینگتن از آن در بهار ۱۳۹۷ انجام می‌شود و با وجود آن که دولت جدید آمریکا به ریاست جمهوری جو بایدن گفته است در صورت پیروی کامل تهران از تعهداتش به توافق باز خواهد گشت، همچنان در مسیر قبلی خود حرکت می‌کند.

این رویکرد ایران انتقادهای طرف‌های دیگر برجام را به دنبال داشته است، به ویژه سه متحد اروپائی آمریکا – بریتانیا، فرانسه و آلمان – که در سه سال گذشته تلاش کرده‌اند توافق را حفظ کنند و اکنون نیز در تلاش هستند با همکاری با ایالات متحده و ایران، و با تمرکز بر دیپلماسی، آن را احیا کنند.

به دنبال اعلام تصمیم ایران مبنی بر توقف اجرای پروتکل الحاقی و ممانعت از بازرسی‌های فرایمادی آژانس از تأسیسات هسته‌ای خود، مدیرکل آژانس روز یکشنبه به ایران رفت و با علی اکبر صالحی معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و برخی دیگر از مقام‌های مربوطه گفت‌وگو کرد.

رافائل گروسی پس از ترک تهران به خبرنگاران در فرودگاه وین پایتخت اتریش گفت که با طرف ایرانی به یک تفاهم موقت سه ماهه رسیده است تا نظارت‌های ضروری آژانس همچنان وجود داشته باشد. وی در توثیتی هم نوشت که «مذاکرات فشرده به نتیجه خوبی رسید. یک تفاهم فنی حاصل شد.»

مدیرکل آژانس پیش‌تر در روز سه‌شنبه در یک نشست مجازی به میزبانی یک اندیشکده امریکائی گفت، ادامه نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران به صورت محدود و برای یک دوره موقت سه ماهه را تنها «جمع‌آوری اطلاعات» توصیف کرد و گفت دسترسی آژانس به آن اطلاعات بعداً میسر خواهد شد.

خبرگزاری رویترز در گزارشی از قول رافائل گروسی در این نشست نوشت، «این سیستمی است که به ما اجازه می‌دهد نظارت را ادامه دهیم و تمامی فعالیت‌های کلیدی که در این دوره اتفاق می‌افتد را ثبت کنیم، به طوری که در انتهای آن می‌توانیم همه این اطلاعات را بازیابی کنیم.»

مدیر بازوی هسته‌ای سازمان ملل متحد، که مسئولیت نظارت بر اجرای توافق ۱۳۹۴ قدرت‌های جهانی با ایران را بر عهده دارد، در توضیح گفت «به عبارت دیگر، ما دقیقاً خواهیم دانست چه اتفاقی افتاده، دقیقاً چه تعدادی قطعه ساخته شده، دقیقاً چقدر مواد فرآوری یا غنی‌سازی شده و امثال این‌ها.»

تشریح سیاست دولت بایدن درباره ایران در جلسه کمیته روابط خارجی سنا

«آنتونی بلینکن» در جلسه تأیید بررسی صلاحیتش که هفته گذشته (اول بهمن ۱۳۹۹) در سنا برگزار شد سیاست‌های دولت جو بایدن در قبال برجام را تشریح کرد.

بلینکن در پاسخ به سؤال «رابرت منندز»، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنا مبنی بر این‌که آیا با کنگره برای رسیدن به اجماع در خصوص ایران و مقابله با این کشور به عنوان یک چالش همکاری خواهد کرد گفت: «پاسخ این سؤال مثبت است.»

او اضافه کرد: «هنگامی که صحبت از سیاستی تا این حد چالش‌انگیز یعنی مقابله با جمهوری اسلامی ایران مطرح است، اگر بتوانیم درباره این مسائل همفکری کنیم در وضعیت بهتری قرار خواهیم داشت.»

او سپس گفت: «در خصوص ایران دو نکته وجود دارد. اول اینکه، رئیس‌جمهور منتخب بایدن به این گزاره که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد متعهد است و می‌دانم که همه ما در این کمیته در خصوص این هدف هم‌نظریم.»

بلینکن در ادامه اضافه کرد: «ایران مجهز به سلاح هسته‌ای یا در آستانه دستیابی به آن و یا با ظرفیت ساخت چنین سلاحی در کوتاه مدت، در زمینه‌های اقدامات مخرب دیگر اعم از حمایت از تروریسم، حمایت از نایبانش و یا بی‌ثبات کردن منطقه کشوری خواهد بود که اقدامات خطرناک‌تری نسبت به الان انجام خواهد داد.»

او اضافه کرد: «بنابراین، فکر می‌کنم ما مسئولیت فوری داریم تا هر آنچه می‌توانیم برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح یا به دست آوردن ظرفیت گریز هسته‌ای برای ساخت چنین سلاحی انجام دهیم.»

بلینکن گفت: «از نظر من، برجام با وجود محدودیت‌هایش در مأموریت خودش برای بستن مسیرهای دستیابی ایران به مواد هسته‌ای لازم جهت ساخت سلاح هسته‌ای موفق عمل می‌کرد. این توافق علاوه بر این، شدیدترین بازرسی‌ها در تاریخ کنترل تسلیحاتی را مستقر کرد.»

او در ادامه گفت: «رئیس‌جمهور منتخب معتقد است که اگر ایران به توافق بازگردد ما هم به این توافق برمی‌گردیم، اما از این مسأله، همراه با متحدانمان که بار دیگر با ما هم‌راستا می‌شوند به عنوان سکونی برای دستیابی به یک توافق طولانی‌تر و قوی‌تر و رسیدگی به مسائل دیگر به خصوص مسأله راکتی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران استفاده خواهیم کرد.»

بلینکن در ادامه اضافه کرد: «حالا که این گفته شد، باید بگویم که با این نقطه فاصله زیادی داریم. باید ببینیم بعد از این‌که رئیس‌جمهور منتخب سر کار می‌آید ایران چه اقداماتی انجام می‌دهد و آماده انجام چه اقداماتی است، بعدا اگر آن‌ها می‌گویند که به پایبندی برجام برگشته‌اند باید ارزیابی کنیم ببینیم آیا به وعده‌هایشان عمل کرده‌اند یا خیر.»

او در ادامه تصریح کرد که در خصوص برجام با نماینده‌های کنگره و همچنین اسرائیل و کشورهای عربی منطقه رایزنی خواهد کرد.

بلینکن گفت: «بله، ما حتماً با شما (نماینده‌های کنگره) مشورت خواهیم کرد. فکر می‌کنم همان‌طور که رئیس (کمیته روابط خارجی مجلس سنا) گفت مهم است که در آغاز این فرایند و نه پایان آن، با متحدان و شریکانمان در منطقه از جمله اسرائیل و کشورهای خلیج فارس هم تعامل کنیم.»

دو طرح جدید در کنگره برای افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران

تعدادی از قانون‌گذاران جمهوری‌خواه ایالات متحده در کنگره، روز جمعه دو طرح جدید با هدف افزایش تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران و ناقضان حقوق بشر ارائه دادند که می‌تواند مسیر دولت جو بایدن برای بازگشت به برجام را ناهموار کند.

به گزارش وب‌سایت خبری «واشنگتن‌فری‌بیکن» این دو طرح جدید به طور رسمی گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت ایران در عراق را به عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی می‌کند و تحریم‌های جدیدی را علیه ناقضان حقوق بشر در ایران، از جمله رهبر ایران، علی خامنه‌ای، اعمال می‌کند.

این طرح‌ها فقط یک روز پس از تشکیل جلسه مجازی اعضای کمیته مطالعات جمهوری‌خواه (RSC)، بزرگترین گروه محافظه‌کار در کنگره، با سخنگوی سابق وزارت امور خارجه، مورگان اورتگاس و نماینده ویژه سابق دولت

امریکا در امور ایران، برایان هوک، در ادامه کمپین «چگونه از فشار حداکثری رئیس جمهور ترامپ بر ایران در کنگره دفاع کنیم» مطرح شد.

به نوشته واشنگتن فری بیکن، فشار قانونی جمهوری خواهان که توسط جو ویلسون و جیم بانکس اداره می شود، در حالی صورت می گیرد که دولت بایدن طیف وسیعی از امتیازات، از جمله تخفیف تحریم ها را به منظور جلب مجدد ایران به میز مذاکره در برنامه کار خود دارد.

در حالی که طرح ارائه شده توسط جمهوری خواهان شانس کمی برای تصویب شدن در کنگره تحت کنترل دموکرات ها دارد، منظور این است که به تهران و قدرت های اروپائی پیامی ارسال کند که بخش قابل توجهی از قانون گذاران آمریکائی مخالف دیپلماسی دولت هستند و آمادگی لازم را برای اعمال مجدد هرگونه تحریم های لغو شده در هفته ها و ماه های آینده را دارند.

این تلاش می تواند مانند نامه اخیر ۷۰ نفر از دموکرات ها به بایدن که از وی خواستند تحریم های ایران را به عنوان پیش شرط گفت و گو درباره برنامه هسته ای در حال رشد ایران لغو نکند، موثر باشد.

به گفته منابع کنگره نزدیک به RSC ملاقات با هوک و اورتاگوس، از اعضای کلیدی «کارزار سیاست حداکثری رئیس جمهور ترامپ بر ایران» باعث شد تا کنگره را ترغیب کند تا «سیاست رادیکال بایدن در قبال ایران» را از طریق قانون گذاری و هم از طریق بررسی های بیشتر برای لغو تحریم ها بدون مشورت با کنگره، به عقب برانند.

به نوشته واشنگتن فری بیکن، جمهوری خواهان بیشتر در مورد برنامه های دیپلماتیک دولت با جمهوری اسلامی در تاریکی مانده اند. فرستاده آمریکا و ایران، رابرت مالی، هنوز گزارشی در مورد گفت وگوهای خود با چین و سایر کشورها درباره توافق هسته ای جدید ارائه نداده است. دولت بایدن همچنین در مورد تلاش گزارش شده برای کمک به کره جنوبی برای تأمین حدود ۱ میلیارد دلار خسارت ایران پس از توقیف تهران توسط کشتی متعلق به این کشور آسیائی، پنهانی عمل کرده است.

بانکس به واشنگتن فری بیکن گفت: «کارزار فشار حداکثری ترامپ کارساز بود. بودجه دفاعی ایران ۲۵ درصد کاهش پیدا کرد. آیا جو بایدن برنامه های این کارزار تحت فشار گذاشتن ایران را تکمیل می کند؟ تحت کارزار فشار حداکثری جو بایدن، تحریم تروریست هایی که امریکائی ها را به قتل رسانده اند، بسیار ناچیز است، در عین حال سیاست هایی که به تقویت بودجه دفاعی ایران و به خطر انداختن متحدان منطقه ای ما می انجامد، کاملاً ممکن است.»

بانکس، رئیس RSC و یکی از اعضای کمیته خدمات مسلح مجلس نمایندگان، تلاش های دیپلماتیک دولت را «سیاست مدارس راهنمایی» توصیف کرد که «مبتنی بر بیزاری شخصی از ترامپ و نادیده گرفتن واقعیت ژئوپلیتیک است.» به گفته او، کنگره تمام تلاش خود را برای حفظ فشار بر ایران و مقابله با نمایندگان ترور این کشور در منطقه انجام خواهد داد.

اولین طرح که توسط رئیس کارگروه امنیت ملی و امور خارجه RSC، جو ویلسون ارائه شده این است که آیا بر اساس دستورالعمل اجرائی ۲۰۱۰ امضاء شده توسط باراک اوباما، رئیس جمهور وقت، تحریم ها علیه علی خامنه ای به درستی اجرا می شود. این لایحه دولت بایدن را مجبور می کند علناً تلاش اوباما برای پاسخگویی ناقضان حقوق بشر در ایران را رد کند. RSC با این طرح می خواد دولت بایدن که اغلب در خارج از مرزها مدافع حقوق بشر بوده، را محک بزند.

طرح ویلسون به طور بی سابقه ای از دموکراسی و حقوق بشر در ایران حمایت می کند و در کوتاه مدت خواستار تغییر همه جانبه رژیم است. همچنین لازم است دولت ایالات متحده گزارش عمومی در مورد افشای امپراتوری مالی خامنه ای و حمایت غیرقانونی این کشور از تروریسم تهیه کند.

ویلسون به واشنگتن فری بیکن گفت: «قدرت تحریمی که در این طرح به کار گرفته می‌شوند از یک قانون دو جانبه مصوب کنگره سرچشمه می‌گیرند.» او ادامه داد «این غیراخلاقی خواهد بود که فقط برای مذاکره با رژیم ایران یا ورود دوباره به یک معامله ناموفق با ایران، مردم ایران را دوباره زیر اتوبوس بیندازیم.»

در طرح دوم که توسط استوبی Greg Steube (R. Fla.) نوشته شده، تحریم‌های جدید علیه گردان سید شهدا، یا کتائب سید الشهداء، گروه شبه‌نظامی تروریست مورد حمایت ایران که در عراق فعالیت می‌کند و مسئول حملات به ایالات متحده است، اعمال می‌شود. این همان گروهی است که به دستور بایدن اخیراً در سوریه به عنوان بخشی از عملیات انتقام‌جوئی برای حملات به ایالات متحده در منطقه بمباران شد.

همانند طرح قبلی، جمهوری خواهان می‌خواهند دولت را مجبور کنند در مورد گروهی که امریکائی‌ها را به قتل رسانده و نفوذ ایران را در سراسر منطقه به دست آورده، موضع گیری عمومی کند.

استوبی به واشنگتن فری بیکن گفت: «گردان سید شهدا مورد حمایت ایران نه تنها تهدیدی جدی برای صلح و ثبات در منطقه است، بلکه آن‌ها مستقیماً مسئول کشته شدن سربازان امریکائی در عراق هستند.» او ادامه داد: «حملات مداوم آن‌ها به امریکائی‌ها و منافع استراتژیک ما پاسخ شدید و قاطع دولت بایدن را می‌طلبد، اما آنچه که تاکنون از مقامات عالی بایدن دیده‌ایم اعطای امتیازات خطرناک و مداخلات بنیادی است.»

قانون‌گذاران جمهوری خواه در مجلس سنا و مجلس نمایندگان ایالات متحده اخیراً هشت لایحه را با هدف جلوگیری از بازگشت دولت جو بایدن به برجام تسلیم کنگره کرده‌اند. برخی از این لوایح، خواستار اعلام مخالفت دسته‌جمعی در کنگره با بازگشت به برجام شده و برخی دیگر، موضوع سد کردن کامل راه دولت بایدن برای برگشت به توافق هسته‌ای با ایران را دنبال می‌کردند.

مایکل مک‌کول، از نمایندگان جمهوری خواه پشتیبان لایحه هاگرتی که از پشتیبانی ۲۷ سناتور برخوردار است گفته بود «نمی‌خواهم دوباره ببینم در معرض دسیسه‌ها و اخاذی‌های تهران قرار گرفته‌ایم و تحریم‌ها را در ازای چیزی کوچک برچیده‌ایم.»

لایحه‌ای دیگر که توسط سناتور جمهوری خواه، تام کاتن، ارائه شده با حدود ۴۰ امضاء از هر نوع کاهش تحریم علیه ایران تا زمانی که «توافقی فراگیر» با ایران حاصل نشده، مخالف است.

اعلام جرم امریکا علیه ۱۰ ایرانی به اتهام نقض تحریم‌ها

دادگستری امریکا ۸ مرد و دو زن را به نقض تحریم‌ها متهم کرده است. گفته می‌شود که این افراد طی بیش از ۲۰ سال برای حکومت ایران معاملاتی غیرقانونی انجام داده‌اند. این افراد خارج از ایالات متحده هستند و بازداشت نشده‌اند. جمعه ۱۹ مارس ۲۰۲۱ مقام‌های دادگستری ایالات متحده، ۱۰ شهروند ایرانی را به نقض تحریم‌های ایالات متحده متهم کردند.

بنا به گزارش خبرگزاری رویترز، به گفته یک سخنگوی دادستانی امریکا در لس‌آنجلس، این افراد، شامل ۸ مرد و دو زن، برای مدت بیش از ۲۰ سال معاملاتی به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون دلار برای حکومت ایران انجام داده‌اند. بنا به بیانیه، یکی از معاملات بزرگ این افراد خرید دو نفتکش به قیمت ۲۵ میلیون دلار از یک تاجر یونانی برای حکومت ایران بوده است. در سند از این بازرگان نام برده نشده، اما گفته می‌شود که او پس از همکاری تجاری با دولت ایران مورد تحریم قرار گرفته است.

وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه می‌گوید که این افراد برای معاملات خود در پوشش بیش از ۷۰ شرکت صوری در ایالات متحده، ایران، کانادا، امارات متحده عربی و هنگ‌کنگ فعالیت کرده‌اند.

این افراد که به خاطر پولشویی به پرداخت بیش از ۱۵۷ میلیون دالر جریمه شده‌اند، ساکن آمریکا نیستند.

تریسی ویلکینسن، دادستان آمریکایی، این افراد را متهم کرده است که «طی دو دهه با سوءاستفاده از سیستم مالی آمریکا صدها میلیون دالر معامله برای دولت ایران» انجام داده‌اند.

به گفته بازرسان دادگستری آغاز این معاملات به سال ۱۹۹۹ برمی‌گردد.

شایان ذکر است که اولین تحریم دولت بایدن علیه ایران؛ دو بازجوی سپاه تحریم شدند. دولت جو بایدن برای اولین بار دو بازجوی سپاه پاسداران را تحریم کرد. گفته شده است که این دو نفر «در شکنجه زندانیان در ایران مشارکت داشته‌اند.» این دو عضو سپاه و خانواده‌های آنها حق ورود به خاک آمریکا را ندارند.

به این ترتیب دولت جو بایدن اولین تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران را اجرائی کرد. آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده روز سه‌شنبه ۹ مارس-۱۹ اسفند اعلام کرد که دو عضو سپاه پاسداران به دلیل نقض حقوق بشر اجازه ورود به خاک آمریکا را نخواهند داشت.

طبق اعلام وزارت خارجه آمریکا این دو نفر به نام‌های علی همتیان و مسعود صفدری در زندان‌های ایران زندانیان را شکنجه می‌کنند. وزیر خارجه ایالات متحده تصریح کرده که دولت آمریکا تمامی ابزار مناسب را به کار می‌گیرد تا کسانی را که مسؤول آزار و نقض حقوق بشر در ایران هستند مورد بازخواست قرار دهد.

بلینکن همچنین گفته ایالات متحده می‌خواهد که «دولت ایران با مردمش با احترام و شأن درخور انسانی رفتار کند.»

وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که علی همتیان و مسعود صفدری و بستگان نزدیک آنها دیگر اجازه سفر به آمریکا را نخواهند داشت. این دو نفر متهم هستند که در شکنجه زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شرکت داشته‌اند.

سپاه پاسداران ایران از آوریل ۲۰۱۹ در لیست گروه‌های تروریستی دولت آمریکا قرار گرفته است

وزارت دادگستری آمریکا روز چهارشنبه ۱۴ آبان-۴ نوامبر در وبسایت رسمی خود اعلام کرد که دامنه ۲۷ سایت وابسته به سپاه پاسداران را بسته است.

وزارت دادگستری آمریکا گفته است قبلاً نیز ۹۲ دامنه اینترنتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در چارچوب «مبارزه با انتشار اطلاعات نادرست و خبرهای جعلی توسط کشورهای خارجی» توقیف و ضبط کرده است.

این اقدام آمریکا در چارچوب فشار حداکثری به جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته و گفته شده است که ۲۷ دامنه ایرانی وابسته به سپاه تحریمات آمریکا علیه دولت ایران و سپاه پاسداران را نقض کرده است.

آمریکا سپاه پاسداران را به عنوان یک نهاد تروریستی می‌شناسد و این نهاد نظامی را تحریم کرده است.

وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه خود همچنین تاکید کرده است که وبسایت‌های توقیف شده مرتبط با سپاه پاسداران از شرکت‌های ثبت دامنه مستقر در آمریکا خریداری شده‌اند.

توقیف دامنه ۲۷ وبسایت ایرانی هم‌زمان شده است با ۴۱ مین سالگرد اشغال سفارت آمریکا در ایران.

پرواز دو بمب‌افکن بی-۵۲ آمریکایی در نزدیکی مرزهای ایران

بمب‌افکن‌های بی-۵۲ آمریکا در اقدامی که هدف آن بازدارندگی و هشدار به ایران عنوان شده در آسمان خلیج فارس پرواز کردند.

روز چهارشنبه، دهم دی ماه دو فروند بمبافکن غولپیکر امریکائی از پایگاهی در داکوتای شمالی به پرواز درآمدند و پس از گشت زدن بر فراز خلیج فارس به پایگاه خود بازگشتند.

این دومین پرواز بمبافکن‌های استراتژیک بی-۵۲ نیروی هوایی ارتش ایالات متحده بر فراز خلیج فارس در یک ماه اخیر است. پرواز قبلی حدود سه هفته پیش انجام شده بود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام ارشد ارتش امریکا می‌گوید هدف از این عملیات هشدار به جمهوری اسلامی و به خاطر نشانه‌های مبنی بر برنامه‌ریزی ایران برای حمله به منافع امریکا و متحدانش در منطقه بوده است.

هواپیماهای بی-۵۲ در هشدار به ایران بار دیگر بر فراز خاورمیانه و نزدیکی مرزهای ایران گشت‌زنی کردند. جنگنده‌هایی از اسرائیل، عربستان سعودی و قطر نیز این دو بمبافکن استراتژیک امریکائی را همراهی کردند.

نخستین پرواز بی-۵۲ در سال جاری میلادی تنها شش روز پس از تحلیف جو بایدن انجام گرفت. حال خبرگزاری آسوشیتد پرس از دومین پرواز یا گشت‌زنی بمبافکن‌های استراتژیک بی-۵۲ در دوره بایدن در خلیج فارس گزارش داده است.

طبق این گزارش دو بمب افکن بی-۵۲ روز یکشنبه ۱۷ اسفند-۷ مارس بر فراز خاورمیانه و در نزدیکی مرزهای ایران پرواز کردند.

جنگنده‌هایی از اسرائیل، عربستان سعودی و قطر نیز این دو بمبافکن استراتژیک امریکائی را همراهی کردند. از ماه ژانویه این چهارمین مأموریت بمبافکن‌های امریکائی در خاورمیانه بوده است.

در بیانیه ستاد فرماندهی ارتش امریکا آمده است که هدف این پرواز، نمایش تعهد ایالات متحده به حفظ امنیت شرکا در منطقه و جلوگیری از تهاجم است. در این بیانیه از ایران نامی برده نشده است.

گشت‌زنی دوباره بی-۵۲ این بار بعد از حادثه انفجار یک کشتی باربری اسرائیلی انجام می‌گیرد.

یک کانال خبری مستقر در بیروت تصاویر هواپیماهای بدون سرنشین نظامی جمهوری اسلامی ایران را نشان داده که بر فراز یک کشتی اسرائیلی پرواز کرده‌اند که اخیراً در معرض انفجار مرموزی قرار گرفته بود.

مقام‌های اسرائیلی گفته‌اند که کشتی باربری که پنجشنبه شب ۲۵ فوریه در دریای عمان دچار سانحه شده، از سوی جمهوری اسلامی با مین یا راکت مورد حمله قرار گرفته است. در این حمله بدنه کشتی بارکشی اسرائیلی از دو جا آسیب دید.

ستاد فرماندهی ارتش امریکا اعلام کرده است دو بمبافکن بی-۵۲ از پایگاه هوایی در داکوتای شمالی امریکا پرواز کرده بودند.

حمله امریکا به بوکمال؛ پیامی که شاید ایران انتظار نداشت

علاوه بر رویکرد سختگیرانه دولت بایدن که رفع تحریم‌ها را با بازگشت ایران به برجام و شروع مذاکرات گره زده است، حمله به بوکمال هم نشان داد که ملاحظات برجانی لزوماً استفاده سخت‌افزاری در تقابل با جمهوری اسلامی ایران را منتفی نمی‌کند.

حمله پنجشنبه شب ۷ اسفند ۹۹ نیروهای امریکائی به مواضع گروه‌های شیعی عراقی نزدیک به ایران که جزئی از جبهه حشد شعبی به شمار می‌روند، اولین هم‌وردی نظامی ولو غیرمستقیم دولت بایدن با جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. لوید آوستین، وزیر دفاع امریکا گفته است که در حمله به منطقه بوکمال در مرز سوریه و عراق «تنها مواضع

گروه‌های شیعه‌ای (کتاب حزب‌الله و کتاب سید الشهداء) مورد حمله قرار گرفته که در حملات به منافع و مواضع امریکا در عراق سهیم بوده‌اند.»

در وضعیتی که مذاکرات و تلاش‌های گسترده‌ای برای احیای برجام و شروع احتمالی و دوباره مذاکرات میان امریکا و ایران در جریان است، شاید نه تصور می‌رفت که گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در عراق اقداماتی را انجام دهند که به ضرر ثمربخشی تلاش‌های یادشده باشد و نه اقدامات تلافی‌جویانه امریکا زیاد محتمل شمرده می‌شد. وزیر دفاع امریکا اما می‌گوید که «تحقیقات عراقی‌ها به این نتیجه رسیده است که کتاب حزب‌الله و کتاب سید الشهداء در حملات اخیر به مقرهای استقرار نیروها و پرسنل امریکائی در عراق نقش داشته‌اند» و حمله به مواضع این دو گروه در بوکمال در همین رابطه بوده است.

دولت بایدن تا کنون نشان داده است که در تلاش برای متقاعدکردن جمهوری اسلامی ایران به آمدن به پای میز مذاکره جهت گشودن چندین و چند پرونده مورد اختلاف، حاضر به قبول شرط و شروطهای ایران و حذف کل تحریم‌هایی که با خروج دولت ترامپ از برجام احیا شده‌اند نیست، و کاهش این تحریم‌ها را به تابعی از شروع و پیشرفت مذاکرات تبدیل کرده است.

حمله پنجشنبه شب به مواضع نیروهای نزدیک به ایران در عراق نیز حاوی این پیام بود که واشنگتن از مواجهه سخت‌افزاری ولو غیرمستقیم با ایران هم ابائی ندارد و تلاش‌های مربوط به احیای برجام ملاحظات و احتیاط‌هایی را در این رابطه ایجاد نمی‌کند.

تنش میان ایران و امریکا در صحنه عراق دست‌کم از ابتدای سال میلادی گذشته و از زمان کشتن قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه برون مرزی جمهوری اسلامی (قدس) و ابومهدی المهندس، رهبر کتاب حزب‌الله عراق توسط پهپادهای امریکائی در فرودگاه بغداد رو به تشدید رفته است. سران جمهوری اسلامی ایران همواره تاکید کرده‌اند که «بهترین و بزرگترین انتقام» برای این «جنايات» خروج نیروهای امریکائی از منطقه است.

رویکردهای ایذائی و اعمال فشار برای خروج امریکا از عراق که معمولاً در بروز حمله به مقرهای حضور نیروها و پرسنل امریکائی در مناطق مختلف عراق این کشور یافته و اغلب هم کسی مسؤولیت آن‌ها را به عهده نگرفته است از جمله راهکارها برای تحقق خواست جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نزدیک به آن در عراق تلقی می‌شوند. در هفته‌های گذشته که دولت بایدن زمامدار امور در امریکا بوده، دست‌کم سه حمله به مراکز امریکائی در عراق صورت گرفته است.

مواضع دولت بایدن نسبت به چشم‌انداز حضور نیروهای امریکائی در عراق هم قرینه‌ای به دست نمی‌دهند که واشنگتن در آینده‌ای نزدیک این نیروها را خارج کند و جمهوری اسلامی به خواست مورد نظر خود برسد. دولت الکاظمی تاکید دارد که عراق نباید به صحنه تسویه حساب ایران و امریکا بدل شود، ولی خود را از حضور نیروهای امریکائی، آن هم در شرایطی که گفته می‌شود نیروهای داعش در حال بازسازی و قدرت‌گیری مجدد هستند بی‌نیاز نمی‌بیند.

از سوی دیگر دولت بایدن در قیاس با دولت ترامپ رابطه تنگاتنگتری با اقلیم کردستان عراق دارد و زمامداران این منطقه نیز بر ماندن نیروهای امریکائی در عراق به عنوان عنصری در مقابله با تهدیدات احتمالی داعش و نیز فاکتوری در برقراری توازن قوا در صحنه سیاسی عراق تمایل و تاکید دارند. شماری از گروه‌های سنی که از قدرت‌گیری ایران و نیروهای شیعی نزدیک به آن خشنود نیستند نیز دارای درک و دریافت مشابه‌ای نسبت به حضور نیروهای امریکائی هستند.

ژنرال آویو کوخاوی: جنگ با ایران محتمل و دردناک خواهد بود

ژنرال آویو کوخاوی، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل اواخر ژانویه ۲۰۲۱ در سخنرانی‌ای در یک گروه تحقیقاتی وابسته به موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، گفت که این کشور با تهدیدهای فزاینده ایران و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به آن روبه‌رو است. او با استناد به داده‌های اطلاعاتی تاکید کرد که حکومت ایران به تلاش‌های خود برای تقویت توان نظامی خود ادامه می‌دهد.

به گمان رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل جنگ با ایران و گروه‌های نیابتی آن محتمل است، هر چند به گمان او در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران طرحی در این زمینه ندارد. با این حال، آویو کوخاوی هشدار داد که در صورت وقوع جنگ با ایران تبعات آن دردناک خواهند بود. او تهدیدهای راکتی ایران را جدی خواند و گفت که اگر جنگی دربرگیرد جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی آن قادرند بارانی از راکت و راکت به روی شهرها و غیرنظامیان اسرائیلی پرتاب کنند. کوخاوی اضافه کرد که بر اساس برآوردهای ارتش اسرائیل گروه حزب‌الله لبنان به تنهایی دارای ۱۹۰ هزار راکت و راکت و صدها راکت نقطه زن است و قادر است در صورت وقوع جنگ روزانه هزار راکت و راکت به روی اسرائیل پرتاب کند.

آویو کوخاوی با اشاره به بازگشت احتمالی امریکا به برجام یا امضای قراردادی مشابه با جمهوری اسلامی ایران، افزود که اسرائیل طرح‌ها و عملیات تازه‌ای را علیه برنامه اتمی ایران در نظر گرفته است. رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل گفت که تحریم‌های امریکا و پاندمی ویروس کرونا ضربات سنگینی به حکومت اسلامی و گروه‌های تحت فرمان تهران وارد آورده است. او گفت که بخش بزرگی از فعالیت‌های ارتش اسرائیل در جریان سال گذشته میلادی بر جبهه شمال یعنی در لبنان و سوریه متمرکز بوده که محل استقرار نیروهای نظامی ایران و گروه‌های شبه نظامی وابسته به این کشور به ویژه حزب‌الله لبنان است. کوخاوی گفت که هدف اسرائیل از این فعالیت‌ها جلوگیری از استقرار نظامی ایران در سوریه و همچنین ممانعت از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایران به متحدان و گروه‌های نیابتی این کشور در کل منطقه بوده است. کوخاوی تصریح کرد که به یاری این عملیات اسرائیل موفق شده توانایی ایران را برای انتقال سلاح کاهش دهد.

رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل در توضیح دلایل بمباران پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی ایران در عراق، گفت: حکومت بغداد قادر به کنترل خاک عراق نیست و جمهوری اسلامی ایران با بهره‌برداری از این ضعف گروه‌های شبه‌نظامی خود را در عراق همچنان حفظ می‌کند و می‌کوشد از طریق این کشور سلاح‌های خود را به سوریه و لبنان منتقل کند. ژنرال کوخاوی در جای دیگری از سخنانش افزود که فشارها بر جمهوری اسلامی ایران باید ادامه یابد و نباید گذاشت که حکومت تهران به سلاح اتمی دست پیدا کند.

جنگ راکتی علیه کشتی‌ها

دو هفته پس حمله به کشتی اسرائیلی به کشتی ایرانی حمله شد. روزنامه وال‌استریت می‌نویسد که از اواخر سال ۲۰۱۹ تاکنون، اسرائیل حداقل به ده کشتی عازم سوریه حمله کرده است. اکثر این کشتی‌ها حامل نفت ایرانی بوده‌اند.

کشتی اسرائیلی که حامل خودرو بود و از عربستان به سنگاپور می‌رفت، در دریای عمان آسیب دید. برخی مقامات اسرائیلی انگشت اتهام به سوی تهران گرفته‌اند اما مقامات ایرانی واکنشی نشان نداده‌اند. اما روزنامه اصول‌گرای کیهان

نوشتند که احتمالا نیروهای «محور مقاومت» به کشتی اسرائیلی ضربه زده‌اند. منظور از «محور مقاومت» جمهوری اسلامی، حکومت سوریه، حزب‌الله و گروه‌های وابسته به آن‌ها است.

روز یکشنبه ۲۸ فوریه- ۱۰ اسفند، کشتی اسرائیلی موسوم به «اموی هلیوس ری» (MV Helios Ray) به بندر رشید دوی رسید. امارات متحد عرب در سال ۲۰۲۰ با اسرائیل روابط رسمی برقرار کرد.

کشتی موسوم به «شهر کرد» در روز چهارشنبه ۲۰ اسفند ۹۹ در نزدیکی سوریه هدف راکت قرار گرفته است. مقامات ایرانی تاکید دارند که کشتی در آب‌های بین‌المللی - و نه در حوزه سوریه - بوده است.

کشتی «شهر کرد» متعلق به شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران است. علی غیاثیان سخنگوی این شرکت تأیید کرد که بخشی از بدنه کشتی دچار آسیب شده است. او گفت: «این شناور که متعلق به شرکت حمل‌ونقل کانتینری کشتیرانی جمهوری اسلامی است، از ایران به مقصد اروپا در حرکت بوده است. پس از اصابت شیئی انفجاری، آتش‌سوزی مختصری رخ داده که مهار شده و به خدمه آسیبی وارد نیاورده است.» او نگفت که کشتی در حال حاضر در کجا قرار دارد اما اطمینان داد که پس از تعمیرات، راه خود را ادامه خواهد داد.

علی غیاثیان رویداد اخیر را مصداق «راهزنی دریائی» دانست و گفت که پیگیری‌های حقوقی برای شناسائی عاملان از طریق نهادهای ذیربط بین‌المللی انجام خواهد شد.

شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در فهرست سیاه امریکا قرار دارد زیرا به عقیده مقامات این کشور، وسائلی را در ارتباط با برنامه اتمی و راکتی ایران حمل کرده است.

اسرائیل برای جلوگیری از توافق هم‌زمان ایران و امریکا برای لغو تحریم‌ها و کاهش غنی‌سازی تا سطح مندرج در «برجام» با تمام امکاناتش وارد عمل شده است. از یکسو خود را آماده حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران می‌کند و از این طریق امریکا را تحت فشار گذاشته و از سوی دیگر دست به یک تهاجم دیپلماتیک زده تا کشورهای اروپائی عضو برجام را با خود همراه کند.

آزیر خطری که چند هفته پیش در منطقه سازمان انرژی اتمی ایران به صدا در آمد، تمرینی بود برای غافلگیر نشدن. همچنان که سخنان روحانی در جلسه کابینه برای تفاهم گام‌به‌گام با اصطلاح (جزء به جزء عقب‌نشینی شود ما هم جزء به جزء عقب‌نشینی می‌کنیم، کامل عقب‌نشینی شود، ما هم کامل عقب‌نشینی می‌کنیم!) نشان از علائم تلاش برای حل دیپلماتیک بحران دارد. خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در تازمترین سخنرانی خود که خلاف گذشته‌ها، با پرخاش و توهین و تهدید همراه نبود، نرمشی احساس می‌شد که هماهنگ بود با نرمش روحانی! و البته «نرمش قهرمانانه»!

نقش جمهوری اسلامی در جنگ یمن و ائتلاف عربی

العربیة، کارشناسان سازمان ملل متحد روز چهارشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۲۱ در گزارشی به شورای امنیت، تاکید کردند که نهادهائی تابع جمهوری اسلامی ایران برای شبه نظامیان حوثی در یمن سلاح ارسال می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، کارشناسان مستقل سازمان ملل که مسؤول تحریم تسلیحاتی یمن هستند، روز چهارشنبه گزارش دادند که شواهد بیشتری در دست دارند که نشان می‌دهد نهادهائی از داخل ایران برای حوثی‌ها سلاح به شبه‌نظامیان حوثی ارسال می‌کنند.

هفته گذشته، وزارت کشور یمن تاکید کرد، راکت‌هائی که توسط حوثی‌ها به سوی شهرهای تحت کنترل دولت قانونی یا به پادشاهی سعودی پرتاب می‌شوند، به وسیله متخصصان ایرانی و لبنانی تهیه و در اختیار حوثی‌ها قرار می‌گیرد.

دولت یمن همواره تاکید کرده که جمهوری اسلامی ایران شبه‌نظامیان حوثی را با سلاح‌ها و راکت‌های بالستیک تجهیز می‌کند.

ائتلاف عربی بیش از یک بار راکت‌هائی را که توسط حوثی‌ها پرتاب شده‌اند ارائه داده که نشان می‌دهد اصل آن‌ها ایران است.

تحقیقاتی که سال گذشته توسط کمیته نظامی وابسته به وزارت دفاع یمن انجام شد، نشان داد که راکت‌هائی که مناطق مسکونی شهر مارب در شمال شرقی یمن را هدف قرار داده بود، ساخت ایران بوده است این راکت‌ها به صورت قطعاتی مجزا قاچاقی به یمن ارسال شده و سپس توسط کارشناسان راکتی سپاه در صنعا نصب شده‌اند.

امریکا نیز بارها تاکید کرده که ایران نه تنها در یمن بلکه در عراق، لبنان و سایر کشورهای عربی از شبه‌نظامیان فرقه‌گرا با اسلحه و پول پشتیبانی می‌کند.

اخیرا، مایکل آرون، سفیر بریتانیا در یمن هشدار داد که کنترل حوثی‌ها بر صنعا، پایتخت یمن، نفوذ ایران در این کشور را افزایش می‌دهد. هارون زنگ خطر به صدا درآورد و گفت حوثی‌ها در حال تغییر جامعه یمن، برنامه‌های درسی مدارس دانشگاه‌ها را برخلاف فرهنگ یمنی‌ها تغییر می‌دهند، و کودکان را به جبهه‌های جنگ می‌فرستند.

جمهوری اسلامی ایران حمایت تسلیحاتی خود از حوثی‌ها را نه تنها پنهان نمی‌کند بلکه فرماندهان نظامی این کشور در اظهارات خود با افتخار از حمایت تسلیحاتی از حوثی‌ها سخن می‌گویند.

سرتیپ ابوالفضل شکارچی سخنگوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در سپتامبر گذشته گفت: «ما فن آوری‌های دفاعی برای تولید راکت و هواپیماهای بدون سرنشین را در اختیار حوثی‌ها قرار دادیم.»

۱۰ سالگی جنگ در سوریه و نقش جمهوری اسلامی ایران در این جنگ!

زمستان سال ۱۳۸۹، یعنی در ماه‌های اولیه بهار عربی که که هنوز سوریه از امواج آن در امان بود، بشار اسد با قاطعیت ادعا کرده بود که سوریه به لحاظ مناسبات دولت و ملت کشوری متفاوت از کشورهای بحران‌زده عربی است و دامنه این امواج هیچ‌گاه به آن نخواهد رسید.

با بروز اولین اعتراض‌ها در سوریه در اسفندماه همان سال، ارتش و نیروهای امنیتی تلاش کردند که با سرکوب کامل آن، همچنان پیش‌بینی اسد را واقعی جلوه دهد. اما روند حوادث به مسیر دیگری رفت و یکی از خونین‌ترین و ویرانگرترین و پرهزینه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین جنگ‌های داخلی تاریخ معاصر را رقم زد که این روزها وارد ۱۰ سالگی خود شده است.

۹ ماه پس از شروع جنگ داخلی در سوریه، در آبان ۱۳۹۰ اسد در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود با یک رسانه خارجی (ساندی تایمز) در باره این جنگ، اعتراف کرد که «در هفته‌های اول اشتباه کردیم و در کاربرد خشونت علیه معترضان و «عدم تفکیک» میان آن‌ها به راه خطا رفتیم.» او مدعی شد که «سوریه به راه سایر رهبران سرسخت و واقعیت‌گریز عربی نرفته و در مقابله با اعتراض‌ها به سرعت به اصلاحات روی آورده است.»

شدت سرکوب نیروهای حکومت اسد بیش از پیش بر شدت اعتراضات و درگیری‌ها افزود و در عین حال، کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ هم در چارچوب رقابت‌ها و منافع خویش وارد جنگ داخلی سوریه شدند و بلافاصله به تسلیح مخالفان و سرازیرکردن سیل اسلحه به این کشور پرداختند.

هم‌زمان در ترکیه «ارتش آزاد سوریه» تشکیل شد تا در در جنگ داخلی سرویه شرکت کند. در این میان شبه‌نظامیانی میدان‌دار جنگ شدند که اغلب یا سرشان به القاعده وصل بود یا به داعش مرتبط می‌شدند.

با این همه حکومت بشار اسد ضعیف‌تر و ناتوان‌تر از آن شده بود که بدون ورود گسترده روسیه به جنگ و تشدید حمایت جمهوری اسلامی ایران بتواند خود را سرپا نگه دارد. با ورود این دو کشور در جنگ داخلی سوریه در پائیز ۱۳۹۴ و کمک موثر آن‌ها به حکومت بشار اسد در مقابله با نیروهای مخالف، این حکومت دوباره توانست بر حدود ۷۰ درصد خاک کشور مسلط شود.

تا این‌جا این جنگ خانمان‌سوز ۱۰ ساله نزدیک به ۴۰۰ هزار کشته گرفته، ۱۲ میلیون نفر را آواره کرده، از جمله ۶ میلیون نفر در کشورهای همسایه، بازماندن میلیون‌ها نفر از تحصیل و آموزش، ویرانی شهرها و بناها و تخریب اساسی بنیان‌های اقتصادی کشور هم که مکمل آن بوده است. زندگی بیش از ۸۰ درصد جمعیت این کشور به زیر خط فقر رفته است.

بخش‌های مهمی از سوریه در غرب و و شمال کشور در تصرف گروه‌های مسلح اسلام‌گرا (ادلب)، یا ترکیه (ادلب و بخشی از مناطق کردنشین همچون کانتون عفرین) و یا در کنترل نیروهای کردی است.

بر اساس گزارشی اخیر World Vision که با مشارکت Frontier Economics منتشر شده، هزینه اقتصادی درگیری‌های سوریه طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۱.۲ تریلیون دلار تخمین زده شده است و پیش‌بینی می‌شود که حتی در صورتی که جنگ سوریه همین امروز تمام شود، این رقم تا سال ۲۰۳۵ به ۱.۷ تریلیون دلار افزایش یابد. این گزارش خاطرنشان می‌کند که یک نسل کامل در این درگیری‌ها از دست رفته است و کودکان به دلیل این که فرصت تحصیل و بهداشت را از دست داده‌اند، باید متحمل پرداخت این هزینه‌ها شوند. افزون بر آن، وضعیت کنونی باعث می‌شود شمار زیادی از شهروندان این کشور حتی در صورت پایان یافتن جنگ نتوانند در رشد اقتصادی و بهبود اوضاع کشور خود سهم داشته باشند.

علاوه بر نتایج اقتصادی، این گزارش حاکی از آن است که جنگ سوریه یکی از خونین‌ترین و ویران‌کننده‌ترین جنگ‌ها برای کودکان به شمار می‌رود؛ به طوری که امید به زندگی کودکان را تا ۱۳ سال کاهش داده است. همچنین، تخمین زده می‌شود که از ۸۲ درصد کودکانی که به گروه‌های مسلح جذب می‌شوند، به صورت مستقیم در عملیات نظامی استفاده می‌شود و ۲۵ درصد از کودکان مزبور زیر ۱۵ سال هستند. از آغاز جنگ در سوریه، حدود ۵۵ هزار کودک کشته و برخی از آن‌ها اعدام شده و شماری دیگر مورد شکنجه قرار گرفته‌اند.

ارزیابی‌های سازمان World Vision در مناطق شمال غربی سوریه که در کنترل جناح‌های طرفدار ترکیه است، نشان می‌دهد که دختران مناطق یادشده به دلیل نگرانی از خطر تجاوز جنسی، پیوسته در هراس و اضطراب زندگی می‌کنند. ازدواج کودکان نیز در این مناطق افزایش نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. آنچه همه این کودکان می‌خواهند، صلح و آرامش است.

همچنین پژوهشی که مرکز تحقیقات و مطالعات دمشق منتشر کرد، نشان می‌دهد که تداوم جنگ در سوریه باعث مهاجرت ۴۰ درصد پزشکان، ۲۰ درصد داروسازان و ۱۰ درصد از مهندسان شده است و بنا بر همین پژوهش، حدود ۷۰ درصد از شهروندان سوریه که به دلیل شدت یافتن جنگ آواره شدند، مردان جوان هستند. افزون بر آن که ۵۰ درصد از تاسیسات صنعتی در نتیجه جنگ به طور جزئی یا کلی آسیب دیده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران با حفظ کریدور عراق- سوریه- لبنان، ارتباط تهران با «محور مقاومت» و تامین و تسلیح گروه‌هایی مانند حزب‌الله، مانور در کنار مرزهای «دشمن صهیونیستی» و حفظ «عمق استراتژیک» ایران نیز از چند سو در معرض تهدید و فشار و فرسایش است.

بی‌تردید اگر جنگ داخلی سوریه خاتمه یابد ایران متضرر اصلی خواهد بود و به سختی می‌تواند موقعیت تا کنونی خود در سوریه را حفظ کند.

سال‌هاست که اسرائیل هم چه از طریق تعامل و گفت‌وگوهای فشرده با روسیه و چه از طریق حملات گسترده و متناوب به پایگاه‌ها و مقرهای مربوط به جمهوری اسلامی در خاک سوریه عملاً در پی ایجاد چنان وضعیتی است که هم حکومت اسد خروج ایران را برای بقای خود مفید بداند و هم خود جمهوری اسلامی ضرر و زیان‌های ناشی از حضور نظامی و امنیتی در سوریه را فراتر از آن ببیند که قابل تداوم باشد.

گرچه آیت‌الله خامنه‌ای در آخرین سخنرانی خود مدعی شد که حضور جمهوری اسلامی در منطقه صرفاً جنبه مستشاری و معنوی دارد، ولی همان آماری هم که مراجع رسمی تا سال ۱۳۹۵ از تعداد «شهادی حرم» منتشر می‌کردند و بعداً به دلیل حساسیت عمومی آن را متوقف کردند، نشان‌دهنده شمار بالای قربانیان در میان نیروهای اعزامی به سوریه است. تلاش اخیر روزنامه سپاه پاسداران برای القای این که از سال ۱۳۹۵ این رقم از دو هزار نفر حداکثر شاید به ۲۵۰۰ نفر رسیده باشد کمتر نسبتی با واقعیت دارد، چرا که از یک‌سو از ۱۳۹۵ ایران بیش از پیش در همراهی و توافق با روسیه در عرصه میدانی جنگ سوریه حی و حاضر بوده است و شدت جنگ هم ابعادی فراتر از سال‌های اولیه داشته است.

از دیگر سو، خود عدم ارائه آمار از سال ۱۳۹۵ و نیز شمار بالای تشییع جنازه «شهادی حرم» در پنج سال گذشته در شهرهای ایران هم ناقض این ادعاست که گویا آمار این «شهادی» از سال ۱۳۹۵ صرفاً چند ۱۰ نفر افزایش یافته است. این نیز هست که از آمار مربوط به از کشته‌شدگان افغان‌تبار که در قالب «گردان‌های فاطمیون و زینبیون» با بسیج و مدیریت تهران به جنگ سوریه برده شده‌اند هم اطلاع دقیقی در دست نیست.

جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته حضور فشرده و موثر در صحنه نظامی و امنیتی سوریه و در جنگ داخلی این کشور را در راستای تأمین امنیت ملی کشور معرفی کرده که «اگر آن‌جا نمی‌رفتیم می‌بایست با خطر داعش در کنار مرزهای خودمان روبه‌رو شویم».

شبه‌نظامیان طرفدار جمهوری اسلامی ایران در حومه دیرالزور در کرانه غربی فرات متمرکز شده‌اند. بر اساس برآورد دیدبان حقوق بشر سوریه، حدود ۱۵ هزار شبه‌نظامی عراقی، افغان و پاکستانی وفادار به ایران در دیرالزور، به ویژه منطقه حدفاصل شهرهای مرزی آلبو کمال و دیرالزور تا المیادین حضور دارند.

علاوه بر این، هزاران تن از عناصر و مشاوران نظامی سپاه پاسداران، در سوریه حضور دارند، اما حکومت تهران فقط به حضور مشاورانی اذعان دارد که به نیروهای رژیم سوریه کمک می‌کنند.

شبه‌نظامیان عراقی به درخواست ایران، در کنار نیروهای حکومت سوریه می‌جنگند. آن‌ها از زمان پایان عملیات علیه داعش در عراق و سپس سوریه، عمدتاً در نوار مرزی میان عراق و سوریه حضور داشته و در شهر آلبو کمال استقرار دارند.

نیروهای رژیم ایران و شبه‌نظامیان وفادار به آن، از زمان استقرار در منطقه دیرالزور، اقدام به ایجاد مواضع و پادگان‌های نظامی کردند. در طی سال‌ها، کامیون‌های حامل سلاح، مهمات و همچنین زاغه‌ها و مواضع نظامی این شبه نظامیان بویژه در منطقه میان المیادین و البوکمال، هدف حملات هوایی قرار گرفته‌اند.

یک نشریه وابسته به سپاه پاسداران امروز اعتراف کرد که با وجود هزینه‌های سنگین مالی و انسانی و تسلیحاتی حکومت در سوریه، سهمی که این حکومت از اقتصاد سوریه و اوضاع آن کشور دارد، در مقایسه با بسیاری کشورهای دیگر ناچیز است.

نشریه «امتداد» که یکی از رسانه‌های خبری و تحلیلی سپاه پاسداران به شمار می‌آید، در گزارش تحلیلی خود، پنج شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۹۹ به عنوان نمونه می‌نویسد که حجم و ارزش داد و ستد بازرگانی ترکیه با دولت سوریه، هفده برابر ایران است و این در حالی که جمهوری اسلامی ایران هر سال چندین میلیارد دلار نفت و بنزین رایگان برای دولت بشار اسد می‌فرستد و همچنین حضور نظامی گسترده سپاه قدس و دیگر گروه‌های نظامی وابسته به ایران در آن کشور نیز به چند میلیارد دلار بالغ می‌شود.

در حالی که انتظار می‌رفت جمهوری اسلامی ایران در ردیف اول کشورهایی قرار داشته باشد که با سوریه تجارت می‌کنند، نشریه امتداد می‌نویسد که ایران در این زمینه مقام نهم را دارد. یعنی دادوستد بازرگانی هشت کشور دیگر با سوریه، از ایران بیش‌تر است.

حسن عباسی، یکی از سخنرانان سیاسی و مداحان جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی، چند سال پیش ادعا کرده و گفت که اگر حکومت ایران یک دلار در سوریه هزینه کرده، چندین برابر آن را پس گرفته است. ولی گزارش امتداد نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران بیش‌ترین هزینه‌ها را در سوریه متحمل شده و کمترین سود را از آن کشور برده است.

حضور موثر ایران در بحران سوریه البته از همان ماه‌های اول ناآرامی‌ها در این کشور و به طور قطعی و جدی در دی ماه ۱۳۹۰ با محوریت و مأموریت ویژه سرتیپ حسین همدانی شروع شد که قاسم سلیمانی خود او را به دمشق برد و برای حکومت اسد مأموریتش را توضیح داد. در این تاریخ هیچ اثری از داعش که سال ۱۳۹۵ برآمد، نبود و آن‌گونه که خود همدانی شرح داده است که این مأموریت سپاه و بسیج در سوریه با مدیریت او عمدتاً برای حفظ «محور مقاومت»، «برقرار ماندن امکانات مقابله با استکبار» و به خصوص حراست از پل ارتباطی با حزب‌الله لبنان به عنوان «بالاترین محصول و ثمره انقلاب اسلامی در منطقه» بوده است.

جمهوری اسلامی، ۱۰ سال پس از درگیربودن در جنگ داخلی سوریه و مشخص‌شدن ناکامی این نوع از حضور که ربط وثیقی با امنیت ملی ایران و رشد و توسعه اقتصادی و بهبود معیشت مردم یا کمک به تنش‌زدایی در منطقه ندارد، بیش از پیش مجبور شده در توجیه آن هم دلایل را روانه کند، و هم اخیراً پیوسته این مدعا را تکرار کند که ۲۰ تا ۳۰ میلیاردی هم که این حضور برای ایران هزینه داشته برگشت‌پذیر است در حالی که مقامات جمهوری اسلامی بر ایت تصورند ایران با حضور در پروژه‌های اقتصادی و بازسازی سوریه بیش‌تر از آن را به دست خواهد آورد.

قربانیان ویروس کرونا

علیرضا زالی، مدیر ستاد مبارزه با کرونا در تهران روز جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۹۹ گفت: شهروندان تهرانی در صورت سفر به نقاط مختلف کشور در معرض ویروس جدید و سویه‌های مقاوم قرار می‌گیرند و هنگام بازگشت کلکسیونی از سوش‌های مختلف را به ارمغان می‌آورند. هرچه میزان سفر کاهش یابد احتمال بروز موج بعدی بیماری در هفته سوم فروردین کاهش می‌یابد.

فرمانده ستاد مقابله با کرونا در کلانشهر تهران با تأکید بر اجتناب از سفرهای نوروزی و این که خوشه‌های شکل‌گیری کرونای انگلیسی تقریباً در همه بخش‌های تهران مشاهده شده است، گفت: بیش‌ترین خوشه‌های شکل‌گیری ویروس انگلیسی در مناطق مرکزی، جنوبی و قسمتی از شرق تهران مشاهده شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، علیرضا زالی، در تشریح وضعیت بیماری کرونا در پایتخت، افزود: هم اکنون ۲۲۸۲ بیمار در بیمارستان‌های تهران با تشخیص کرونا بستری هستند که ۷۸۰ نفر آنان در بخش مراقبت‌های ویژه تحت درمان قرار دارند.

وی از بستری ۲۵۸ بیمار جدید کرونایی در بخش‌های عادی، ۱۲۲ بیمار جدید در بخش‌های ویژه و فوت ۱۶ شهروندان تهرانی در اثر کرونا در شبانه روز گذشته خبر داد و گفت: هم اکنون حال ۱۶۸ بیمار وخیم است و ۳۹ بیمار نیز به دلیل وخامت اوضاع و بدحالی به دستگاه تهویه مصنوعی متصل شدند.

فرمانده ستاد مقابله با کرونا در کلانشهر تهران با اشاره به چرخش سریع ویروس جهش یافته در ۲۹ استان کشور از شهروندان تهرانی خواست اکیدا از سفر اجتناب کنند.

زالی با توجه به چرخش ویروس جهش یافته و سویه‌های مقاوم و جدید ویروس در اقصی نقاط کشور، سفر در ایام تعطیلات نوروز را بسیار خطرآفرین برشمرد و به همشهریان تهرانی مجددا توصیه اکید کرد که از سفرهای نوروزی پرهیز کنند.

فرمانده ستاد عملیات مدیریت بیماری کرونا در کلانشهر تهران با اشاره به رشد ۳۵ درصدی مراجعان کرونایی به اورژانس‌های بیمارستانی با علائم دیسترس تنفسی شدید، گفت: این موضوع حاکی از این است که با شرایط بدتری روبه‌رو هستیم و با افزایش سفرهای نوروزی و عدم رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی ممکن است در هفته سوم فروردین شاهد یک الگوی تلخ در بیمارستان‌های تهران باشیم.

همچنین سخن‌گوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: با فوت ۶۸ نفر از بیماران مبتلا به کرونا در ۲۴ ساعت گذشته، تعداد جان باختگان کرونا در کشور به ۶۱ هزار و ۶۴۹ نفر رسیده است.

به گزارش ایرنا، سیما سادات لاری روز جمعه درباره آخرین آمار مبتلایان به ویروس کرونا و موارد فوت ناشی از ابتلا به کووید ۱۹ در کشور بیان کرد: از دیروز تا امروز ۲۹ اسفند ۱۳۹۹ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۷ هزار و ۶۲۰ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که ۷۵۷ نفر از آن‌ها بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به یک میلیون و ۷۸۶ هزار و ۲۶۵ نفر رسید.

لاری گفت: خوشبختانه تا کنون یک میلیون و ۵۲۸ هزار و ۶۹۴ نفر از بیماران، بهبود یافته و یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. سه هزار و ۸۷۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند.

معاون وزیر بهداشت افزود: تاکنون ۱۲ میلیون و ۳۹ هزار و ۳۲۹ آزمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است.

سخن‌گوی وزارت بهداشت اظهار کرد: ۹ شهرستان قرمز، ۳۱ شهرستان نارنجی، ۲۹۵ شهرستان زرد و ۱۱۳ شهرستان آبی هستند.

لاری بیان کرد: با توجه به شیوع ویروس جهش یافته انگلیسی در کشور و قدرت سرایت بسیار بالای این ویروس، به طور حتم سفرهای امسال نسبت به نوروز سال گذشته خطرناکتر خواهد بود و باید بپذیرفت که در شرایط حال حاضر بیماری، اقدام به سفر به هیچ وجه به نفع ما و عزیزانمان نیست. بنابراین از کلیه هموطنان خواهشمندیم از هرگونه برنامه ریزی برای اقدام به سفر در تعطیلات پیش رو به طور جد پرهیز کنند.

همچنین کیانوش جهانپور، سخن‌گوی سازمان غذا و دارو گفت: تا امروز بیش از ۵۹۵ هزار دوز واکسن کرونا از مجموع واکسن‌های وارداتی در شبکه بهداشتی کشور توزیع شده و از این تعداد، تا روز گذشته، ۱۲۴ هزار دوز واکسن در کشور تلقیح شده است. عمده دریافت‌کنندگان این واکسن‌ها نیز کارکنان خط مقدم درمان بوده‌اند.

بر اساس آمارهای جهانی ایران از نظر تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در رده پانزدهم جهان قرار دارد. آمریکا با بیش از ۳۰ میلیون نفر، برزیل با نزدیک به ۱۲ میلیون و هند با ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار فرد آلوده به بیماری کوید-۱۹ بیش‌ترین افراد مبتلا به ویروس کرونا در جهان را دارند.

بعد از این سه کشور، روسیه، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، ترکیه و آلمان جزو ۱۰ کشوری هستند که بیش‌ترین میزان کرونای مثبت در آن‌ها به ثبت رسیده است. از نظر تعداد افراد فوت شده، آمریکا، برزیل، مکزیک و هند بیش‌ترین تعداد تلفات جانی را داشته‌اند.

از زمان شیوع ویروس کرونا، بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در چهار گوشه کره زمین بر اثر ابتلا به این ویروس درگذشته‌اند. اما خبر خوش این که شمار بسیار زیادی از مبتلایان در سراسر جهان، بالغ بر ۹۸ میلیون نفر، از چنگال این ویروس مرگبار رهایی و بهبود یافته‌اند.

جمهوری اسلامی مبارزه با کرونا را با توسل‌های روحانیت به دامن «الهی» پناه است. این اختراعات و توسل‌ها با کشف دستگاه ویروس‌یاب توسط سپاه پاسداران و با طیفی از داروهای اختراعی (ادراشتر تا روغن بنفشه) همراه بوده است. در حالی که سبب مصونیت در برابر ویروس همه‌گیر کوید-۱۹ با تزریق واکسن امکان‌پذیر است و راه دیگری ندارد. اما سران و مقامات و نهادهای مسئول جمهوری اسلامی ایران که هنوز هم منتظر «معجزه» و کمک‌های «الهی» هستند، هیچ اقدامی در کاهش آمار مرگومیر دست‌کم ۶۲ هزار ایرانی (آمار رسمی دولت) نکرده‌اند. با وجود مرگ صدها پزشک و پرستار و اعضای کادر درمان، اعلام وضعیت قرمز در ده‌ها شهر و شهرستان، تداوم دارد و با بالا رفتن آمار مرگومیر روزانه همراه بوده است.

در شرایطی که نسبت به درستی آمار مرگومیر و ابتلا به کوید-۱۹ که از طرف دولت منتشر می‌شود، تردیدهای جدی وجود دارد و حتی سازمان نظام پزشکی ایران هم آمار قربانیان را سه تا چهار برابر آمار رسمی می‌داند. همه شواهد نشانی می‌دهد که در مقابله با کرونا نیز جمهوری اسلامی و در رأس همه خامنه‌ای مرتکب «قتل عمد» شده است!

شاخص جهانی خوشبختی: ایران بهتر از افغانستان، پائین‌تر از سایر همسایگان

شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹ برابر با ۲۰ مارس ۲۰۲۱

در جدیدترین گزارش جهانی سعادت که از سوی سازمان ملل منتشر شده، ایران در جدول میانگین بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، رتبه ۱۱۸ را کسب کرده است. این در حالی است که بر اساس مقایسه سال ۲۰۲۰ با میانگین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، ایران در رتبه ۷۷ قرار دارد. افغانستان نیز در انتهای جدول قرار دارد.

در جدول رده‌بندی میانگین سه‌ساله اخیر و در میان کشورهای همسایه ایران؛ امارات متحده عربی در رده ۲۵، عربستان سعودی در رتبه ۲۶، جمهوری آذربایجان در رده ۹۰، ارمنستان در رده ۸۶، ترکیه در رتبه ۱۰۴، عراق در رتبه ۱۱۱، پاکستان در رده ۱۰۵، ترکمنستان در رده ۹۷ و تاجیکستان به‌عنوان دیگر کشور فارسی‌زبان در رده ۷۸، همگی در جایگاه بهتری از ایران قرار دارند. به‌عبارت‌دیگر در منطقه، ایران تنها از افغانستان شرایط بهتری دارد.

گزارش جهانی سعادت بر اساس معیارهایی مانند حمایت اجتماعی، آزادی فردی، تولید ناخالص ملی، میزان فساد و... گردآوری می‌شود.

بررسی میزان خوشبختی مردم کشورهای مختلف از سال ۲۰۱۲ آغاز شد. این تحقیق از سوی سازمان رامحل‌های توسعه پایدار سازمان ملل انجام می‌شود. این نظرسنجی، میزان شادی در کشورهای جهان را رتبه‌بندی کرده است. به طور معمول، رتبه‌بندی را بر اساس داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ انجام می‌دهند. اما امسال کمی متفاوت بود. از آنجا که محققان قادر به انجام مصاحبه‌های رو در رو در تعدادی از کشورها نبودند، آن‌ها برای رتبه‌بندی کشورها بر روی رابطه بین رفاه و کوید ۱۹ تمرکز کردند.

جان هلیول، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا که یکی از افراد دست‌اندرکار در تهیه این گزارش است، گفت: «جای تعجب است که به طور متوسط، کاهش رفاه وقتی که با ارزیابی خود مردم از زندگی آن‌ها سنجیده شود، رخ نداده است. یک توضیح ممکن این است که مردم کوید ۱۹ را یک تهدید مشترک خارجی می‌دانند که همه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این باعث ایجاد احساس همبستگی بیشتری می‌شود.»

در رتبه‌بندی سال جاری که ایران رتبه ۷۷ را کسب کرده، به ترتیب فنلاند، ایسلند و دانمارک در صدر جدول خوشبخت‌ترین کشورها قرار دارند. ایالات متحده چهاردهم و چین در رده ۵۲ قرار دارد.

جمع‌بندی

سال ۱۳۹۹ با همه فراز و نشیبی‌هایی که داشت، پایان یافت و سال ۱۴۰۰ و قرن جدید هجری شمسی آغاز شد. قرنی که پشت سر گذاشتیم، یکی از پرحادثه‌ترین و مهم‌ترین دوره‌های تاریخی جامعه ایران بود. انقراض سلسله قاجار، روی کار آمدن حکومت‌های پهلوی، کودتای رضاخان میرپنج و سرکوب دستاوردهای انقلاب مشروطیت، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، گردهمایی سران متفقین در تهران بدون اطلاع شاه، سرکوب قیام‌های مردمی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و... فقط بخشی از حوادث نیمه اول قرن گذشته بودند. نیمه دوم قرن چهاردهم اما، انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران و سقوط حکومت پهلوی و پادشاهی در ایران بود، و ۴۲ سال است که جمهوری اسلامی ایران با سرکوب دستاوردهای انقلاب ۵۷ به حاکمیت خونین و مافیائی خود ادامه می‌دهد نیز بخشی از حوادث نیمه دوم قرن گذشته بود.

بی‌شک مهم‌ترین پدیده‌ای که در سال ۱۳۹۹ جامعه ما با آن روبه‌رو بود، شیوع و همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر کشور و به گستره زمانی تمام سال گذشته بود. بنا بر آمار رسمی که وزارت بهداشت اعلام می‌کند، در روز اول فروردین ۱۳۹۹، ۱۹۶۴۴ نفر بودند که از میان آن‌ها ۱۴۳۳ نفر فوت کرده بودند. این آمار، اکنون در ۲۲ اسفند ۱۳۹۹ به یک میلیون و ۷۳۱ هزار و ۵۵۸ نفر بالغ شده و مجموع تعداد جان‌باختگان به عدد ۶۱ هزار و ۶۹ نفر رسیده است. البته این آمارهای جمهوری اسلامی مانند همه آمارهایش دروغین است به طوری که حتی برخی نهادها و مقامات حکومتی نیز رقم واقعی قربانیان کرونا را چندین برابر رقم اعلام شده می‌دانند.

در سالی که گذشت، بسیاری از مناسبت‌ها تحت‌الشعاع همه‌گیری این ویروس ویران‌گر قرار گرفتند. ارتباطات مجازی، جایگزین روابط دوستانه و خانوادگی شد. مجازی‌شدن دانشگاه‌ها و مدارس، تعطیلی بسیاری از برنامه‌های از پیش طراحی‌شده و تعویق چندباره آزمون‌های سازمان سنجش، آسیب‌های زیادی به دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های آن‌ها وارد کرد. تعطیلی اجباری برخی از مشاغل بنا بر پروتکل‌های بهداشتی ستاد ملی مبارزه با کرونا و از رونق افتادن بسیاری دیگر از مشاغل در پی قرنطینه‌هایی که صورت گرفت و بی‌کاری میلیونی و...

ایران در سالی که گذشت بحران‌ها و حوادث بسیاری را تجربه کرد. اما مهم‌ترین بحران در سال ۱۳۹۹ کنار تحریم و مشکلات معیشتی ویروس کرونا بود.

در این سال تشدید برخورد با مخالفان سیاسی و اجتماعی، نقض گسترده حقوق بشر و نمایش پرونده‌های مبارزه با فساد.

کرونا در ایران تنها «بحران سلامت» نبود، بلکه مکملی شد برای تشدید مشکلات و مسائل اقتصادی که بیکار شدن کارگران، تعطیل شدن کارگاه‌های تولیدی و کسب و کارها و کوچکتر شدن سفره معیشت اقشار مختلف، نتیجه آن بود. اعدام روح‌الله زم خبرنگاری که سال قبل گفته شد توسط عوامل امنیتی ایران در کشور عراق ربوده شده است. و ربایش چند تن از دیگر مخالفان جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه از جمله جمشید شامند و حبیب فرج‌الله کعب با کمک باندهای جنایت‌کار در ترکیه و ...

امید سران و مقامات جمهوری اسلامی ایران آن بود که وقتی ترامپ برود و بایدن بیايد تحریم‌ها نیز برچیده خواهد شد و دشواری‌های اقتصادی به اتمام خواهد رسید.

حسن روحانی در لایحه بودجه خود نوشته بود که درآمد نفت روزانه برابر با فروش یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه خواهد بود اما حتی رئیس مجلس هشدار داد که این یک سراب است و چنین پیش‌بینی عملی نخواهد شد. بایدن گفته بود که برجام باز می‌گردد و از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران انتظار و تصور آن بود که وقتی که به برجام بازگردد همه تحریم‌ها را لغو خواهد کرد.

بایدن هم توضیح می‌دهد که وقتی گفتیم به برجام باز می‌گردیم آن را به عنوان مقدمه‌ای برای آغاز مذاکرات به هدف قبولاندن محدودیت‌های بیش‌تر و تازه‌ای بر حکومت ایران گفته‌ام.

امروز آمریکا بر خلاف دوره ترامپ توانسته است اروپا را نیز به دنبال خود بکشد و می‌بینیم که اروپائیان و حتی آژانس هر روز مواضع سخت‌تری را در برابر جمهوری اسلامی ایران در پیش می‌گیرند.

اکنون در سال جدید می‌توان پیش‌بینی کرد که سال جدید سال زلزله‌های سیاسی و اجتماعی خواهد شد. این وضعیت بسیاری از ساختارهای نهادی و تاریخی کشور را تغییر خواهد داد و بر همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، تاثیر عمیقی خواهد داشت و نهایتاً تحول پایانی که در پیش‌روی ماست، زلزله سیاسی، اجتماعی ناشی از نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ خواهد بود که متعاقب آن تغییراتی صورت خواهد گرفت؛ یعنی این انتخابات با هر سطحی از مشارکت و با پیروزی هر شخصی با هر نگرش سیاسی برگزار شود، این انتخابات سرآغاز سلسله‌ای از اختلافات عمیق جناحی درون حکومت خواهد بود. اما روشن است که این انتخابات بسته و غیررقابتی و کم‌رونق خواهد بود. چرا که از هم اکنون بسیاری از مردم ایران در این نمایش مسخره شرکت نخواهند کرد همان‌طور که در انتخابات آخر سال ۹۸ مجلس شورای اسلامی شرکت نکردند.

اما وقایع بسیار مهم دیگری نیز در پیش روی ماست و نمی‌توان از کنار آن‌ها به‌سادگی عبور کرد؛ وقایعی همچون برجام و خروج آمریکا از آن، اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، اعتراضات آبان ۱۳۹۸، اعتراضات اخیر سیستان و بلوچستان، حملات راکتی شبه‌نظامیان طرفدار جمهوری اسلامی در عراق به پایگاه‌های امریکائی، تحولات جنگ سوریه و یمن، و همین‌طور ادامه پرونده شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی از سوی پدافند جمهوری اسلامی ایران و ...

نهایتاً به نظر می‌رسد بزرگترین نگرانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۰ خیزش مجدد جوانان مانند سال ۹۶ و ۹۸ است. صبح صادق نشریه سپاه پاسداران جمهوری اسلامی متولدان دهه ۷۰ و ۸۰ را «تهدید جدی» علیه نظام دانسته و نوشته فعالیت‌های متولدان دهه ۷۰ و ۸۰ در فضای مجازی نشان می‌دهد که این نسل بر خلاف نسل‌های قبل از خود «عمدتاً طبعی معترض نسب به وضع موجود دارند.» این نشریه در ادامه هشدار داده که با افزایش نقش سیاسی و اجتماعی آنان، «می‌تواند به خوبی مورد سوءاستفاده دشمنان سیاسی و فرهنگی ملت‌های آزاده قرار گیرد.»

بی‌شک مهم‌ترین بحران اجتماعی جدید، مسأله فقر و اختناق روزافزون در جامعه ایران بوده و هست؛ بحرانی که حداقل در دو سال گذشته موجب اعتراضات گسترده مردمی در دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ شد، و البته با واکنش خشونت‌آمیز

حکومت سرکوب شد اما شرایط اقتصادی روز به روز بدتر، و تامین معیشت شهروندان لحظه به لحظه دشوارتر شده است.

با این امید و البته با تلاش به استقبال قرن ۱۴۰۰ بشتابیم و امیدوار باشیم تا امسال با جدیت و پیگیری جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران شاهد فروپاشی کلیت جمهوری اسلامی و سال رهایی باشیم!

یک بار دیگر نوروز و سال نو و فرارسیدن بهار را برای مردم آزاده ایران تبریک گفته و سالی سرشار از شادی و بهروزی و سلامتی و موفقیت را آرزومندم!

یکشنبه یکم فروردین [حمل] ۱۴۰۰ - بیست و یکم مارچ ۲۰۲۱